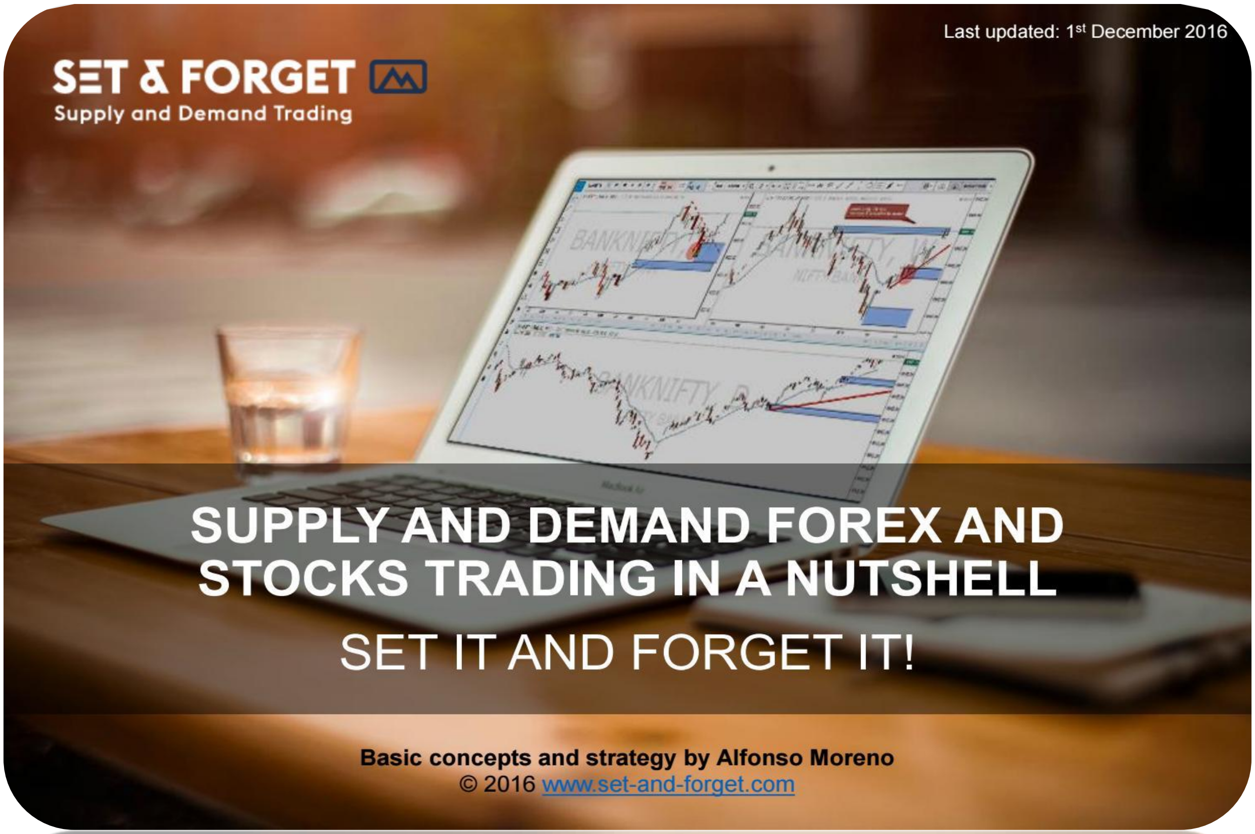


PRICE ACTION COURSES

t.me/priceactioncoursess

t.me/priceactionstrading

مختصری از معامله فارکس و سهام‌ها به روش عرضه و تقاضا

بخرش (معامله‌ت را تنظیم کن) و بگذر

مفاهیم اساسی و
استراتژی‌ها آلفونسو مورنو

نام من آلفونسو مورنو است. من یک معامله‌گر تمام وقت، متخصص تحلیل فنی و بنیانگذار انجمن معامله‌ی آنلاین عرضه و تقاضا با روش بخر و بگذر در اکتبر 2013 هستم. من در بازارهای مالی تنها با استفاده از عدم تعادل عرضه و تقاضا، استراتژیِ اختصاصیِ خودم که در طی سال‌ها گسترشش دادم، معامله کرده‌ام؛ استراتژی‌ای که کمک می‌کند تا نقطه عطف هر بازاری را پیدا کنید؛ جایی که معامله‌گرهای حرفه‌ای یا وابسته به سازمان‌ها برای معاملات‌شان برنامه‌ریزی می‌کنند.

من قبل از سفر یک ماهه‌ام به هند، از طریق بهترین دوستم با معامله آشنا شدم. آن زمان نمی‌دانستم پیپ[1] یا تیک[2] چیست. اول با اختیار معاملات[3] آشنا شدم؛ خوشبختانه من سرمایه‌ای برای اختیار معاملات نداشتم وگرنه حسابم را بر باد می‌دادم. بعد در مورد فارکس و سهام‌ها اطلاعات کسب کردم و از آن زمان بیشتر با فارکس، شاخص‌ها[4] و کالاهای اولیه[5] معامله می‌کردم؛ درحالیکه سال‌ها روی مجموعه‌ای از قوانین تنظیم شده و دقیق آزمایش می‌کردم که باعث شدند در معاملات خودم ثابت قدم باشم. من یک معامله‌گر، عکاس و یک ماجراجو هستم. می‌توانید کارهای عکاسی من را در پروفایل جدید اینستاگرامم ببینید.

قوانین ذکر شده در این کتاب الکترونیکی منحصراً بر اساس عرضا و تقاضا هستند.

شما به چیز دیگری احتیاج ندارید؛

نه اندیکاتورهای رنگارنگ بیهوده و نه تحصیلات در این زمینه

نه حجم معاملات

نه اندیکاتورهای اشباع فروش/اشباع خرید و نه تحصیلات در این زمینه

نه درنظرگرفتن اخبار روز و رویدادها

نه اعلام درآمدها

---

[1] کلمه پیپ در فارکس که مخفف آن به انگلیسی Price Interest Point می‌شود و کوچک ترین واحد ارزش نرخ ارز است. این کلمه در بین تمامی معامله گران بازارهای بین الملل مورد استفاده قرار می‌گیرد و معیار اندازه گیری میزان تغییر قیمت در جفت ارزها است.

[2] تیک (به انگلیسی Tick): در پلتفرم تجاری به هر تغییر و یا حرکت نرخ به هر سمتی تیک می‌گویند.

[3] Option

[4] Indexes

[5] Commodities

مفاهیم و ویدیوهای گنجانده شده در این کتاب الکترونیکی می‌توانند در هر بازار و هر بازه‌ی زمانی‌ای مورد استفاده قرار گیرند. فارکس، سهام‌ها، کالاهای اولیه، شاخص‌ها، معاملات آتی، اختیار معاملات، سرمایه‌ها، صندوق‌های قابل معامله[6] و غیره.

نکته مهم: این کتاب الکترونیکی مختصر، به تنهایی بی‌فایده است. شما باید ویدیوهای رایگان موجود در کانال یوتیوب من را مشاهده کنید، تجزیه و تحلیل روزانه‌ی من در وبلاگ، اینستاگرام و توییترم را بخوانید و یاد بگیرید و قواعد را برای یک مدت زمان طولانی آزمایش کنید. دانش و اطمینان یک شبه اتفاق نخواهد افتاد. در واقع، یادگیری اصول‌اولیه برای شما ماه‌ها طول می‌کشد، اما وقتی این مرحله را پشت‌سر بگذارید، نحوه‌ی نگاه شما به نمودارها و بازارها را تغییر می‌دهد. این کتاب الکترونیکی حرف‌های بیشتری برای گفتن دارد؛ شما را با تجزیه و تحلیل فنیِ عرضه و تقاضا آشنا می‌کند، بعد می‌توانید تصمیم بگیرید که آیا عرضه و تقاضا روشی است که شما دوست دارید با آن معامله کنید و تنها با تمرکز بر عرضه و تقاضا، مطالب بیشتری بیاموزید.

شما تعدادی ایمیل دریافت خواهید کرد که هر کدام از آنها یک مفهوم اساسی عرضه و تقاضا را پوشش می دهند. مجموعاً شش ایمیل در دو سه روز. لطفاً آنها را بخوانید زیرا هر یک از این ایمیل‌ها حاوی یک فیلم کوتاه است که برخی مفاهیم اساسی در مورد عرضه و تقاضا را توضیح می‌دهد.

اطمینان حاصل کنید که این آدرس را به عنوان یک آدرس مطمئن در برنامه‌ی ایمیل خود اضافه کرده‌اید تا از قرارگرفتن ایمیل‌ها در پوشه‌ی هرزنامه‌ها جلوگیری کرده باشید.

---

[6] ETFs (exchange traded fund)

مواردی که فرض گرفته‌ام

در نوشتن این کتاب الکترونیکی خاص، من فرضیاتی راجع به شما در نظر گرفته‌ام که سطح این کتاب را مشخص می‌کند و همینطور به شما نشان می‌دهد که «مختصری از عرضه و تقاضا» چگونه می‌تواند منبعی باشد که شما به دنبال آن بوده‌اید.

فرضیاتی که راجع به شما در نظر گرفته‌ام:

شما تجربه دارید. اگر شما این کتاب را انتخاب کرده باشید، با فارکس، بازارهای سهام و ریسک‌ها و پاداش‌هایی[۷] که به همراه دارد، آشنایی دارید. شما به عنوان یک سرمایه‌گذار، به دنبال راه‌هایی برای مدیریت این ریسک‌ها و پاداش‌ها هستید. با این حال، اگر شما اصلاً با عرضه و تقاضا آشنا نیستید یا آشنایی کمی با آن دارید، اصول بنیادی و مکانیک‌ها در اینجا پوشش داده می‌شود.

شما اصول اولیه را بلدید. مفاهیمی مانند پیپ، تیک، کندل‌استیک‌ها، اهرم، تبادل، قرارداد یا اینکه لات چه چیزهایی‌اند، ریسک و پاداش و حاشیه سود[۸] را می‌دانید.

شما به کامپیوتر و اینترنت دسترسی دارید. من نمی توانم معامله و سرمایه گذاری را بدون کامپیوتر و دسترسی مطمئن به اینترنت تصور کنم. بنابراین من فرض می کنم شما هر دو را دارید.

شما به دنبال جام مقدس[۹]نیستید. هیچ استراتژی بی‌نقصی وجود ندارد، بسیاری از استراتژی‌ها معتبر هستند و می‌توانند کارآمد باشند، همه اینها به طرز فکر و میزان تعهد شما برای موفقیت در هر کاری بستگی دارد.

شما انتظار ندارید که معامله کردن با عدم تعادل‌های عرضه و تقاضا را یک شبه یاد بگیرید. حدود یک سال (احتمالاً بیشتر) طول می‌کشد تا استراتژی ارائه شده در این کتاب الکترونیکی و انجمن بخر و بگذر را بفهمید. ذهن شما به زمان نیاز دارد تا عادات و الگوهایی را شکل دهد که به شما کمک می‌کنند با هر قاعده تنظیم‌شده‌ای معامله کنید.

---

[7] Risk and Rewards
[8] Profit Margin

[9] کنایه از کمال دست‌نیافتنی.

شما از کارگزار استفاده می‌کنید. من فرض می‌کنم شما با پلتفرم معامله کارگزار خود یا پلتفرم وبی که استفاده می‌کنید راحت هستید. کارگزار ممکن است منبعی برای برخی از نظرات ارائه شده در این کتاب الکترونیکی باشد.

این کتاب الکترونیکی به عنوان راهنمای معامله برای تازه‌واردان ناآشنا با مفاهیم نوشته نشده است، شما باید یک دانش اولیه داشته باشید. این یک کتاب الکترونیکی برای کسانی است که چیز ویژه‌ای می‌خواهند. این کتاب برای یک معامله‌گر معمولی است که وقت خود را صرف تلاش برای درک بهتر از بازارهای مالی کرده است، هزاران دلار صرف یادگیری و کارگاه‌ها کرده است، عضو چندین سیگنال معاملاتی و سرویس‌های انلاین شده است، اما هنوز به یک برنامه معاملاتی و یک لبه و یک استراتژی نیاز دارد که در طول زمان در هر بازاری جواب می‌دهد.

این کتاب الکترونیکی به درد کسی که همیشه ساده‌ترین راه را دنبال می‌کند، نمی‌خورد زیرا راه ساده‌ای برای یادگیری وجود ندارد. اگر شما همچین آدمی هستید، همین حالا این کتاب را در کتابخانه بگذارید و به سراغ نویسنده‌ای بروید تا چیزی که دوست دارید _و نه آنچه لازم است بشنوید_ را به شما می‌گوید.

بازار مالی جایی است که نباید در آن به واسطه‌گری دامن بزنیم یا میانبرهای ساده را به شما یاد بدهیم. جایی است که همه‌ی ما با هم برابر هستیم؛ تا زمانی که همه آماده‌اند تا عزم‌شان را برای سخت‌کوشی و تعهد جزم کنند. مهم نیست که در «دنیای واقعی» چه کسی هستید، وقتی وارد حیطه عرضه و تقاضا می‌شوید، به آنها ملحق می‌شوید یا شکست می‌خورید.

فرصت و مجالی برای بحث و گفت‌وگو نیست. بحث و گفت‌وگو برای افراد حقه‌باز و شارلاتان‌هایی‌ست که به جای اقدام کردن، زندگی خود را صرف حرف زدن و بیهوده‌گویی می‌کنند. این جا دنیای نتایج و فرصت برای افرادی است که مایل به اقدام کردن هستند تا در معاملات خود تغییری ایجاد کنند. برخی از شما مشغول معامله‌کردن می‌شوید و معاملات و نتایج‌تان را کاملاً تغییر می‌دهید، بیشتر افراد شکست خواهند خورد چون نمی‌توانند کاملاً به انجام یک استراتژی معاملاتی متعهد شوند. شما هرچقدر زحمت بکشید همان‌قدر نتیجه می‌گیرید؛ اگر آدم جاه‌طلبی نیستید، خروجی شما نشانگر این قناعت‌تون خواهد بود. این کتاب الکترونیکی به دنبال قضاوت‌کردن نیست؛ این کتاب مهارت‌های اولیه و اساسی که به‌خاطر تلاش‌هایتان استحقاقش را دارید، در اختیارتان می‌گذارد.

معامله در بازارهای مالی یک مسابقه دوی صد متر که در هر ده متر یک مانع دارد نیست، بلکه یک مسابقه دوی ماراتن است که در هر صد متر، یک مانع دارد.

کسانی که مدتی است من را در مجموعه فارکس فکتوری، یوتیوب، اینستاگرام و توییتر دنبال می‌کنند، می دانند از زمانی که برای اولین بار در سال 2013 به اشتراک گذاشتن تجزیه و تحلیل‌های خود را آغاز کردم، سخت مشغول تلاش و کمک به بسیاری از معامله‌گران بوده‌ام. همه چیز از یک روزمره‌نویسی معاملاتی ساده در فارکس فکتوری شروع شد، اما در عرض چند ماه به طرز غیرمنتظره‌ای تبدیل به چیزی بسیار متفاوت‌تر از آنچه در ابتدا برای ایجادش در نظر داشتم، تبدیل شد. مجموعه به حدی رشد کرده بود که من تصورش را نمی‌کردم.

من واقعاً خوشحالم که بسیاری از شما علاقه‌مند به یادگیری چگونگی کارکرد بازار با دیدگاه عرضه و تقاضا هستید.

زندگی کارما است، زندگی بومرنگ است. هرکاری که در زندگی انجام دهید، ده برابر بیشتر به خود شما برمی‌گردد. مجموعه مبتکرانه فارکس فکتوری از بسیاری جهات زندگی من را تغییر داده است، خوشبختانه، این پی‌دی‌اف زندگی بسیاری دیگر را نیز به همین صورت تغییر خواهد داد. ایمیل هایی که تقریباً هر روز دریافت می کنم، نشان می‌دهند که من در مسیر درستی پیش می‌روم.

معاملات به معنای کنار گذاشتن احساسات‌تان است؛ تا از تأثیر آنها بر تصمیمات معاملاتی‌تان جلوگیری شود. یک برنامه معاملاتی و یک برنامه مدیریت معامله‌ی خوب، توسط یک انسان دارای احساسات اجرا و مدیریت می‌شود، بنابراین تا زمانی که احساسات خود را کنترل نکنید، موفقیت در معامله دست‌نیافتنی خواهد بود، هرچقدر هم که شما مشتاق این کار باشید یا لبه‌ی معاملاتی خوبی داشته باشید.

روش ایده‌آل برای کسانی که تمام‌وقت یا پاره‌وقت کار می‌کنند. لازم نیست که تمام روز پشت کامپیوتر خود بنشینید.

آیا نگران هستید که به دلیل داشتن یک شغل تمام‌وقت یا نیمه‌وقت، قادر به یادگیری روش معامله یا مدیریت معاملات خود نباشید؟ شغل شما یک مانع نیست، بلکه یک موهبت است. چرا؟ شما فقط سی تا شصت دقیقه در روز برای انجام تجزیه و تحلیل چند زمانی[10]، تنظیم معاملات و رفتن به محل کارتان نیاز دارید. به همین سادگی است. داشتن شغل یک امتیاز است، به شما کمک می‌کند از نمودارها فاصله بگیرید، به معامله فرصت استراحت دهید و ادامه دهید. برای تبدیل شدن به یک معامله‌گر سودآور و موفق، نیازی نیست هر روز ساعت‌ها به تجزیه و تحلیل بازارها بپردازید.

استراتژی معاملاتی "بخر و بگذر" به روش عرضه و تقاضا در هر ترکیبی از بازه‌زمانی و در هر بازاری قابل استفاده است. اینکه شما چه جور معامله‌گری هستید با توالی بازه‌زمانی‌ای که برای معامله انتخاب خواهید کرد، ارتباط مستقیم دارد. این مسئله، نوع معاملاتی که انجام می‌دهید، مدت‌زمانی که آنها را نگه می‌دارید و طوری که آنها را مدیریت می‌کنید، تعیین می‌کند. هنگامی که تصمیم گرفتید چه جور معامله‌گری هستید (با تعیین توالی بازه‌زمانی‌ای که با آن معامله می‌کنید)، و کدام توالی زمانی متناسب با روحیات شماست، باید آن را بپذیرید و از آن منحرف نشوید زیرا در غیر این صورت شما همیشه در معاملات خود دوبه شک می‌مانید که منجر به پریشانی احساسی می‌شود. شما فقط معامله‌هایی را که ترتیب انتخابی‌تان اجازه می‌دهد، انجام خواهید داد. نباید توالی‌های مختلف را ببینید و نگران از دست رفتن معاملات باشید. باید آنها را نادیده بگیرید زیرا هر ماه، با توالی زمانی‌ای که با آن معامله می‌کنید به اندازه‌ی کافی معامله خواهید داشت.

چگونگی کارکرد بازار را یاد بگیرید. دیگر از اندیکاتورهای رنگارنگ و بیهوده استفاده نکنید.

تنها دلیل حرکت قیمت‌ها در هر بازار، عدم تعادل عرضه و تقاضا است. هرچه عدم تعادل بیشتر باشد، حرکت قیمت نیز بیشتر خواهد بود. اغلب معامله‌گران از قدرتی که یک معامله با استراتژی معاملاتی عرضه و تقاضا می‌تواند داشته باشد، آگاهی ندارند. بیشتر ما وقتی می‌خواهیم مقداری خوراکی در سوپرمارکت، یک بطری شراب یا ماشین بخریم، به خوبی از منطق عرضه و تقاضا استفاده می‌کنیم. ما می‌خواهیم [با قیمت] کم بخریم و [با قیمت] بالا

---

[10] تحلیل چندزمانی یا مولتی تایم فریم (به انگلیسی: multi-timeframe analysis): فرآیند بررسی روند قیمتی یک جفت ارز، کالا، سهام یا سایر دارایی ها در چند تایم فریم مختلف به منظور بررسی بهتر جریان حرکتی قیمت و تایید بهتر نقاط ورود و خروج مناسب است.

بفروشیم، این کاملاً واضح است، مگر نه؟ آیا بطری شراب مورد علاقه خود را که ارزش آن 5 یورو است، به قیمت 15 یورو به ازای یک بطری می‌خرید؟ البته که این کار را نمی‌کنید. پس چرا هنگامی که قیمت بسیار بالا است، بیشتر خرده‌فروشان یک جفت‌ارز فارکس یا یک سهام می‌خرند؟ این سوال را از خود بپرسید.

همه ما پتانسیل آن را داریم که یک معامله‌گر سودآور ثابت‌قدم [با روش] عرضه و تقاضا باشیم، اما به آن دست نخواهیم یافت مگر آنکه یک قانون تنظیم‌شده‌ی سفت و سخت برای برنامه‌ریزی معاملات خود داشته باشیم که به آن تکیه کنیم. **عرضه و تقاضا به همراه پرایس اکشن یکی از بهترین لبه‌هایی است که می‌توانید داشته باشید.** با خواندن ده‌ها کتاب و دیدن منابع اینترنتی که اندیکاتورهای فانتزی، رنگارنگ و بیهوده (که فقط آنچه قبلاً اتفاق افتاده است را نشان می‌دهند) به خورد شما می‌دهند، به آسانی گم و گیج می‌شوید. اندیکاتور RSI[11] ، CCI[12]، باند بولینگر و انبوهی از اندیکاتورها فقط آنچه را که قبلاً برای سرمایه‌گذاران بزرگ شناخته شده است تا معاملات عرضه و تقاضا را انجام دهند، نشان می‌دهند. آن‌ها فقط [با قیمت] کم می‌خرند و [با قیمت] بالا می‌فروشند، به همین سادگی است.

تکالیفی که باید انجام دهید.

دانش بدون سخت‌کوشی حاصل نمی‌شود، ما در دنیایی علمی‌تخیلی مانند فیلم ماتریکس زندگی نمی‌کنیم. هیچ کابلی وجود ندارد که بتوانید گردن خود را به آن متصل کنید تا چگونگی معامله‌کردن را یاد بگیرید یا طرز تفکر حرفه‌ای لازم را برای سودآور بودن کسب کنید. هیچ جام مقدسی وجود ندارد.

اگر فکر می‌کنید عرضه و تقاضا روشی است که می‌خواهید با آن معامله کنید، باید به شدت تلاش کنید. به مدت یکی دو سال برای یادگیری قواعد و قوانین و اطمینان پیدا کردن به آنها، زمان اختصاص دهید. میانبری وجود ندارد. یادگیری نحوه معامله بسیار دشوارتر از هر حرفه‌ی دانشگاهی است، واقع بین باشید!

---

[11] اندیکاتور RSI یا شاخص قدرت نسبی که مخفف Relative Strength Index است.

[12] اندیکاتور cci مخفف commodity channel index است و از آن به عنوان شاخص کانال کالا یاد می‌شود.

در کانال رسانه‌های اجتماعی من عضو شوید (پیوندها در پایین هر صفحه‌ی این کتاب الکترونیکی قرار داده شده است) تا درباره امکانات تنظیم‌ها[13] و تفسیرهای جدید اطلاعات کسب کنید، جایی که تنظیم‌های با شانس بالا پست می‌شوند و مورد بحث قرار می‌گیرند. فیلم‌ها را در کانال یوتیوب و وبلاگ من مشاهده کنید. تعامل داشته باشید، هیچ راهی بهتر از تعامل برای یادگیری وجود ندارد.

ناامید نشوید. نمی‌توانید زمان رو جلو بزنید، هیچ میانبری وجود ندارد. شما فقط باید صبر داشته باشید و به آنچه انجام می‌دهید باور داشته باشید.

اگر پتانسیل پول در آوردن با معامله را می‌بینید اما به دلایلی هنوز نمی‌توانید با معامله پول به دست آورید، موارد دیگری مانند برنامه معاملاتی، احساسات، مجموعه‌ای از قوانین تنظیم شده، سایر معامله‌گرانی که از شما حمایت می‌کنند و غیره، وجود دارند. اینجا جایی است که شما می‌توانید سوالات خود را کامل مطرح کنید و از هر کسی در انجمن کمک بگیرید، مانند یک خانواده به هم کمک می‌کنیم. اگر به روش عرضه و تقاضا اعتقاد دارید و مایلید به شدت تلاش کنید، خوشحال می‌شویم که به انجمن ما ملحق شوید.

عرضه و تقاضا چیست؟

تنها دلیل حرکت قیمت در هر حالتی و در همه‌ی بازارها، عدم تعادل در عرضه و تقاضا است. هرچه عدم تعادل بیشتر باشد، حرکت قیمت نیز بیشتر خواهد بود.

چرا عدم تعادل رخ می دهد؟

-بازار ارز و به طور کل دنیای مالی، تحت سلطه و کنترل سرمایه‌گذاران بزرگ، نهادها، بانک‌های مرکزی و معامله‌گران[14] حرفه‌ای است. آنها توانایی و ظرفیت حرکت و تغییر بازارها را با هزاران سفارش دارند. این سفارشات به اصطلاح عدم تعادل‌های عرضه و تقاضا را ایجاد می‌کنند.

-اخبار روزانه منتشر می‌شوند و بر اقتصاد جهان تأثیر می‌گذارند.

[13] تنظیم یا Setup به کنار هم‌قرار دادن موارد مختلف ستاپ گفته می‌شود. به فرض اگر شما برای معامله چند پارامتر را با هم ترکیب کنید در اصطلاح ستاپ چیده‌اید.

[14] در متن **professional trades** آمده است.

-اخبار مثبت معمولاً تقاضا را افزایش می‌دهند و عرضه را کاهش می‌دهند؛ که این منجر به بالاتر رفتن قیمت‌ها می‌شود.

-اخبار منفی معمولاً تقاضا را کاهش می‌دهند و منجر به افزایش عرضه می‌شوند.

خرده فروش و سرمایه‌گذار کوچک در نهایت تبدیل به یک طعمه می‌شوند، [به دلیل] نقدشوندگی‌ای[۱۵] که معامله‌گران قهار نیاز دارند تا با آن بسیاری از سفارشات خود را پر کنند. اگر خریدار مشتاقی وجود نداشته باشد، آنها نمی‌توانند فروش داشته باشند.

هر معامله‌گر/ نهاد دیدگاه متفاوتی نسبت به قیمت منصفانه و ارزش آتی دارد. عرضه به بیان ساده، مقدار موجود است؛ در حالی که تقاضا مقداری است که مورد نظر است. عرضه مقداری است که با یک قیمت خاص در دسترس است؛ در حالی که تقاضا مقداری است که با قیمتی معین مورد نظر یا خواسته‌شده است.

با افزایش قیمت‌ها، تمایل فروشنده به فروش محصولات نیز افزایش خواهد یافت.در مقابل، با افزایش قیمت‌ها، شاهد کاهش تقاضا هستیم. وقتی قیمت‌ها پایین‌تر هستند، خریداران تقاضای بیشتری خواهند کرد.

مثالی زنده از عرضه و تقاضا

ما در سناریوهای زندگی واقعی شهروندان خوبی در زمینه عرضه و تقاضا هستیم، ما به طور بالقوه معامله‌گران عرضه و تقاضاییِ خوبی هستیم. اما هنگام معامله، بیشتر معامله‌گران دقیقاً برعکس عمل می‌کنند و خلاف عرضه و تقاضا معامله می‌کنند، کاری که آنها برای خرید ماشین، لباس، یک جفت کفش یا خانه هرگز انجام نخواهند داد.

بیایید تصور کنیم شریک زندگی‌تان از شما بخواهد مقداری گوشت برای شام خریداری کنید. شما به فروشگاه می‌روید و می‌بینید که قیمت استیکی که به طور معمول می‌خرید، تقریباً دو برابر شده است! حالا لذت بردن از استیک‌تان، دوبرابر بیشتر برایتان آب می‌خورد. شما خیلی سریع به این فکر می‌افتید که استیک چقدر ارزشمند

---

15 Liquidity

است. شما شروع به بررسی گزینه‌های دیگری مانند همبرگر یا مرغ می‌کنید؛ محصولات جایگزینی که با آنها می‌توانید با هزینه‌ای بسیار کمتر، نتیجه‌ی مشابهی بگیرید.

دراین حین ممکن است تصمیم بگیرید استیک را با قیمت افزایش یافته‌اش بخرید، باید به فکر پویایی بازار در حال فعالیت هم باشید. هر خریدار استیک علاقه‌ای به انجام این کار ندارد؛ بسیاری از آنها محصولات جایگزین را انتخاب می‌کنند زیرا قادر به پرداخت قیمت بالاتر نیستند. این یک مثال زنده از دامنه فرآریت[۱۶] عرضه و تقاضا است. با افزایش قیمت استیک، تقاضا برای استیک کاهش می‌یابد.

هفته بعد به سوپرمارکت می‌روید و می‌بینید که استیک نصف مبلغی است که معمولاً برای آن می‌پرداختید. به قیمت هفته‌ی گذشته‌اش، هشتاد درصد تخفیف خورده است. حالا شما به نسبت هفته‌ی قبل متفاوت فکر خواهید کرد. شما فکر خواهید کرد در حالی که قیمت ارزان است می‌توانید بیشتر بخرید. سایر مشتریان در حالی که قیمت ارزان است خرید می‌کنند و شما متوجه می‌شوید که اگر سریع عمل نکنید، قبل از آنکه چیزی از آن همه گوشت‌های تخفیف خورده بخرید، از دست‌تان می‌روند!

این دوباره جریان تقاضا است. با کاهش قیمت استیک، تقاضا نه تنها از طرف شما، بلکه به طور کلی در بازار افزایش یافت. این مثال بسیار مشابه آنچه در بازارهای ارز می‌بینیم است.

بازار فارکس بزرگترین بازار جهان است، هر روز پنج تریلیون دلار معامله می‌شود و دلیل این امر تقاضای زیاد برای دارایی‌های معامله‌شده است. ارزها پایه‌ی اقتصاد جهانی هستند. هر زمان که یک اقتصاد بخواهد با اقتصاد دیگری معامله کند (مشروط به اینکه از ارزهای مختلف استفاده شود) به یک تبادل [از طریق] فارکس نیاز دارد.

---

[16] SD range : انحراف معیار واژه آماری است که اشاره خوبی به فراریت* می کند. انحراف معیار یعنی چگونه ارقام وسیع (مثلاً قیمت‌های نهایی) از میانگین تفریق می شوند. تفریق، تفاوت میان مقدار واقعی (قیمت نهایی) و مقدار میانگین (میانگین قیمت نهایی) است. هر میزان که تفاوت میان قیمت‌های نهایی و قیمت میانگین بیشتر باشد، انحراف معیار و فرآریت بالاتر خواهد بود. هر قدر که قیمتهای نهایی به قیمت میانگین نزدیکتر باشند، انحراف معیار و فراریت پایین تر خواهد بود.

*فراریت (Volatility) یا گریزگری: در علم شیمی و فیزیک به تمایل یک ماده برای تبدیل شدن به فاز بخار گفته می‌شود و در اصلاح بازارهای مالی شاخصی است که میزان نوسان هر جفت ارز را در بازه زمانی خاصی اندازه گیری می کند. به عنوان مثال جفت ارز پوند به ین فراریت بالایی داره و در طول روز نوسانات زیادی انجام میدهد.

جدای از بازارهایی که در آنها از طریق تبادل معامله صورت می‌گیرد، هر کارگزار فارکس در اصل یک بازار ایجاد می‌کند. نمودارها کم و بیش یکسان به نظر می‌رسند، اما میله‌های منفرد می‌توانند متفاوت باشند و به خصوص الگوهای قیمت ممکن است از یک کارگزار به کارگزار دیگر کمی فرق داشته باشد.

در نهایت، بازارهای مختلف ایجاد شده توسط کارگزاران تا حدی آربیتراژ[17] می‌شود (خرید و فروش همزمان اوراق بهادار، ارز یا کالاهای اولیه در بازارهای مختلف یا به شکل‌های مشتق‌شده به منظور سود بردن از قیمت‌های متفاوت برای یک دارایی) بنابراین آنها نزدیک [در ارتباط با] یکدیگر هستند. در نهایت، شما باید آنچه در نمودارهای خود مشاهده می‌کنید، معامله کنید و هرچیز دیگری را نادیده بگیرید.

آنچه ما به عنوان هویت یک جفت ارز درک می‌کنیم، فقط شکل دستکاری‌شده آن جفت‌ارز است. برخی از ابزارها نقدشوندگی کمتری دارند (برخی از جفت‌ارزهای متقاطع (فرعی) فارکس و اگزوتیک[18])، محدوده‌ها از حد معین فراتر رفته‌اند[19] و بعد عالی عمل می‌کنند. این شکل دستکاری‌شده به معنیِ «این ابزار با عرضه و تقاضا ارتباط ندارد» نیست، بلکه بیانگر «این ابزار با تله‌های خرسی[20] و تله‌های گاوی دستکاری می‌شود» است. به یاد داشته باشید که فارکس بزرگترین بازار در جهان است، معاملات آن توسط افراد حرفه‌ای و نه توسط خرده فروشان، انجام می‌شود. یک شکارچی برای گرفتن طعمه‌ی خود انواع تله‌ها را به کار می‌گیرد، نهادهای بزرگ نیز همین کار را می‌کنند. ما در تلاش هستیم تا با شکارچیان حرفه‌ای مبارزه کنیم، زیرا ما به عنوان خرده‌فروشان طعمه آنها هستیم.

قیمت فراکتال است

---

[17] آربیتراژ یکی از مفاهیم مهم در علم اقتصاد و به معنی کسب سود از تفاوت قیمت هم‌زمان یک دارایی بین دو یا چند بازار است. وقوع این شرایط، نتیجه وجود عدم تعادل قیمتی میان بازارهای مختلف هست. به عبارت دیگر، زمانی که ارزش‌گذاری یک دارایی پایه نظیر کالا، ارز یا سهام، در بازارهای مختلف یکسان نباشد؛ آربیتراژگران با خرید دارایی در حداقل قیمت (بازاری که قیمت آن نسبت به سایرین کمتر است) و فروش سریع آن در سطوح قیمتی بالاتر (بازار موازی که دارایی مذکور قیمت بیشتری دارد)، از وجود این تفاوت قیمتی سود کسب می‌کنند.

[18] ارزهای Exotic ارزهایی هستند که خیلی کم در بازارهای ارز معامله می‌شوند و در معاملات مالی جهانی کاربرد چندانی ندارند.

[19] Overshot

[20] تله خرسی، به شرایطی گفته می‌شود که در آن، قیمت سهام در یک محدوده خاص افت می‌کند و فعالان بازار به اشتباه تصور می‌کنند یک روند نزولی در حال آغاز شدن است. ولی در واقع این افت قیمت، صرفا موقتی بوده است.

هر بازه زمانی می‌تواند روند متفاوتی داشته باشد، در واقع، در حال حاضر چندین بازه زمانی برای هر یک از ابزار موجود، در جریان است. قیمت فراکتال است. فراکتال به این معنی است که ساختارهایی درون ساختارها وجود دارند، همان الگوهایی که بارها و بارها در هر بازه زمانی، هنگامی که ما یک کندل را در هر بازه‌ی زمانی تحلیل و بررسی می‌کنیم، تکرار می‌شوند. برای تصمیم‌گیری با احتمال بالا، به تجزیه و تحلیل چندزمانی نیاز است.

بهترین ترکیب‌ها برای تحلیل معاملات چندزمانی، ترکیب‌هایی هستند که از یک ضریب مشترک استفاده می کنند، در مسئله ما چهار به پنج. از هر ضریب یا مقیاسی می توان استفاده کرد اما لازم است که آن با بازه‌های زمانی که برای توالی خود انتخاب می‌کنیم، همساز باشد. به یاد داشته باشید که فارکس بزرگترین بازار در جهان است، معاملات در آن توسط افراد حرفه‌ای و نه توسط خرده فروشان انجام می‌شود. یک شکارچی برای گرفتن طعمه‌ی خود انواع تله‌ها را به کار می‌گیرد، نهادهای بزرگ نیز همین کار را می‌کنند. ما در تلاش برای مبارزه با شکارچیان حرفه‌ای هستیم، زیرا ما به عنوان خرده‌فروشان طعمه آنها هستیم.

با استفاده از مقیاس‌ها و ضرایب همسان، اطمینان حاصل می‌کنیم که تفاوت بین بازه‌های زمانی انتخابی اندک هستند؛ اگر برای بازه‌های زمانی انتخابی خود از مقیاس‌های بسیار متفاوت استفاده کنیم، قابلیت فراکتال بودن کندل‌ها بهتر تطابق پیدا می‌کند. به همین دلیل است که استفاده از ترکیباتی مانند نمودارهای هفتگی، روزانه و پانزده دقیقه‌ای با عقل جور در نمی‌آیند؛ فاکتور مقیاس شکسته شده است.

آزمایش[21] قواعد این کتاب الکترونیکی بسیار مهم است.

آزمایش به شکل دیداری در متاتریدر 4 یا پلتفرم معاملاتی‌تان بی‌فایده است زیرا شما می‌دانید چه اتفاقی افتاده است و نگاه‌تان دنبال همان چیزی که می‌خواهید پیدا کنید، می‌گردد. آزمایش بدون دانستن اینکه در مرحله

---

[21] بک تست (Backtest): در لغت به معنای آزمون در گذشته می باشد. و در بازارهای مالی به معنای تست و بررسی یک استراتژی و روش در گذشته چارت می باشد تا بتوان میزان موفقیت و نقاط ضعف و قوت یک استراتژی را مورد بررسی قرار داد.

بعد چه اتفاقی خواهد افتاد، بهترین روش برای آزمایش هر قانون تنظیم‌شده است، این همان کاری است که من سالها انجام داده‌ام و استراتژی معاملاتی من از همین جا نشأت گرفته است.

برای آزمایشات خود می توانید از نرم افزار Forex Tester 2 استفاده کنید (نسخه‌ی سه اخیراً منتشر شده است). این مسئله که این نرم افزار Forex Tester نامیده می‌شود به این معنی نیست که نمی‌تواند به شما در آزمایش قوانین در سایر بازارها کمک کند. همچنین می‌توانید داده‌های پیشین را برای هر ابزار، سهام‌ها، شاخص‌ها، کالاها و غیره را وارد کنید. به نظر من این یکی از بهترین نرم افزارهای موجود برای آزمایش است. هنگامی که این قوانین یا هر قانون دیگری را برای ماه‌ها آزمایش کردید (منظورم داده‌های این ماه‌ها نیست، بلکه منظورم ماه‌ها سخت‌کوشی از طرف شما است)، **فقط در این صورت** است که برای معامله با این قوانین یا هر استراتژی دیگری که تصمیم به معامله با آن را دارید اطمینان پیدا خواهید کرد.

به همین دلیل است که باید زمان صرف کنید و برای چند ساعتی در روز به مدت چندماه این قوانین را آزمایش کنید، اما بیشتر معامله‌گران نمی‌خواهند به این کار سخت متعهد شوند، آنها آن را اتلاف وقت و بسیار کسل‌کننده می‌دانند. متوجه نیستند که این قدرتمندترین ابزاری است که در دست دارند، این بهترین راه برای کسب اطمینان به قوانین و در نهایت تبدیل شدن به یک معامله‌گر تمام‌وقت سودآور است. معامله‌گران تمایل دارند تا بدون کسب اطمینان (که با ماه‌ها آزمایشِ قوانینی که قرار است با آنها سرمایه‌ی خود را به خطر بیندازند حاصل می‌شود) معامله کنند؛ و این منجر به بر باد رفتن حساب‌شان می‌شود. متعجبید از اینکه چرا اکثر معامله‌گران نتوانستند ثابت‌قدم و سودآور شوند؟ خودتخریبی! بیشتر آنها نمی‌خواهند مقدار کار و تلاش لازم برای تبدیل شدن به یک معامله‌گر حرفه ای را به کار ببندند.

شما باید تکالیف خود را انجام دهید. هیچ کس به جز خودتان نمی‌تواند این کار را برای شما انجام دهد. وقت بگذارید و قوانینی که در این کتاب الکترونیکی گنجانده شده است، آزمایش کنید. در حین آزمایش چیزهای زیادی را خواهید دید که اکنون نمی‌توانید ببینید یا یک روز قبل قادر به دیدنشان نبودید، مغز شما برای پردازش تمام اطلاعات به زمان نیاز دارد، عجله نکنید. اگر حاضر نیستید چند ماه را برای آزمایش این قوانین وقت بگذارید، پس باید فکر معامله‌گر شدن را از سرتان بیرون کنید.

بعد از چند هفته آزمایش این قوانین چه اتفاقی خواهد افتاد؟

فقط دو نتیجه ممکن وجود دارد:

نخست. بعد از چند هفته شما تأیید می‌کنید که قوانین به خوبی کار می‌کنند و درصد موفقیت خوبی کسب می‌کنید و از آزمایش کردن دست می‌کشید. اشتباه است! آزمایش کردن برای چند هفته هیچ فایده‌ای ندارد، اگر بعد از چند روز یا چند هفته تست را متوقف کنید؛ انگار که منظورم را متوجه نشده‌اید. اگر تا حالا به دانشگاه رفته‌اید، آیا بعد از خواندن اولین کتاب، مطالعه و تمرین را متوقف کردید؟ نه، همچین کاری نکردید. شما چند سال را صرف مطالعه کردید، فارغ‌التحصیل شدید و متوجه این مسئله دردناک شده‌اید که واقعاً از حرفه‌ای که در آن تحصیل کردید چیزی نمی‌دانید زیرا هیچ تجربه‌ی شغلیِ واقعی ندارید و بیشتر کارفرمایان علاقه‌مند به استخدام افراد با تجربه در این زمینه هستند.

دوم. هیچ پیشرفتی نخواهید دید و معتقد خواهید بود که قوانین کار نمی‌کنند، بنابراین این استراتژی را نادیده می‌گیرید و به دنبال راهکار دیگری می‌گردید که برای شما معقول‌تر باشد. این احتمالاً ممکن است اتفاق بیفتد، اما در مورد هر استراتژی‌ای همین اتفاق خواهد افتاد. شما باید به منطقی بودن قوانین و ماهیت بازارها باور داشته باشید، زیرا چه بخواهیم و چه نخواهیم، عرضه و تقاضا بر بازارها و دنیای ما حاکم است. زمان بگذارید، چند ماه را صرف آزمایش کنید، در مورد ابهامات و شک‌های خود پرس‌وجو کنید، صبور باشید، ناامید نشوید!

من همیشه معامله‌گران را به آزمایش تشویق می‌کنم، زیرا به نظر بنده‌ی حقیر، این تنها راه برای کسب اطمینان و ثابت‌قدم شدن در معاملات با هر روشی، اعم از عرضه و تقاضا، تقاطع‌های (فرعی‌های) EMA[22]، فیبوناچی، MACD[23] یا هرچیز دیگری که شما نام ببرید است. روش به همین شکل است، به آنچه من یا هرشخص دیگری می‌گویم یا انجام می‌دهم باور نداشته باش، خودت این کار را انجام بده. وارد "مرحله باور" معاملات خود شوید و

---

[22] میانگین متحرک نمایی (به انگلیسی: Exponential moving average)

[23] Moving Average Convergence Divergence

با قوانینی که خواهید پذیرفت، بیشترین بهره را از کار خود ببرید، این تنها راه است. افکار شما مادی است، اما برای تحقق بخشیدن به آنها باید بسیار سخت تلاش کنید.

من به شخصه فقط به‌خاطر یک دلیل روی سویینگ و پوزیشن معاملات برای ورودهایم متمرکز هستم. این فقط معامله نیست بلکه یک سبک زندگی است. اکثر ما زندگی بهتری از نشستن تمام روز در مقابل کامپیوتر می‌خواهیم، سطح‌های چهارساعته و روزانه[۲۴] به من کمک می‌کنند تا به این هدف برسم، این به من کمک می کند صبور باشم و از کامپیوتر فاصله بگیرم.

روان‌شناسی و کنترل احساسات‌تان بسیار مهم هستند

یادگیری معامله‌کردن یک شبه اتفاق نمی‌افتد. ما موجوداتی احساساتی هستیم و به همین دلیل احساسات ما در زندگی و حرفه، نحوه رفتار در محل کار یا مواجهه با مشکلات روزانه‌مان، نقش زیادی دارند.

موفقیت در معاملات به کنترل احساسات و اجرای قوانین مدیریت سرمایه بستگی دارد. از آنجا که ما موجوداتی احساساتی هستیم، قوانین مدیریت سرمایه در برنامه معاملاتی ما توسط یک انسان دارای احساسات کنترل می‌شود، بنابراین در نهایت همه چیز به این بستگی دارد که شما چقدر در کنترل کردن طمع، ترس‌ها و روحیات‌تان خوب عمل می‌کنید.

استراتژی‌های زیادی وجود دارند که جواب می‌دهند، همه‌چیز به این بستگی دارد که چه کسی استراتژی را اجرا می‌کند و چگونه احساسات خود را به خوبی کنترل می‌کند.

یادگیری یک استراتژی اما کار نکردن روی درک این مسئله که از نظر احساسی چقدر ضعیف هستید، دستورالعملی برای شکست است. در مورد چگونگی کنترل احساسات خود تا آنجا که می‌توانید کتاب بخوانید؛ و چه بهتر اگر این کتاب‌ها مرتبط با معامله باشند. یکی از بهترین کتاب‌ها با همین موضوع، «معامله در محدوده»

---

[24] H4 and D1

نوشته‌ی مارک داگلاس است. چند سال پیش که برای اولین بار آن را خواندم، دیدگاهم را در مورد بازارها تغییر داد. همچنین یک نسخه دی‌وی‌دی نیز وجود دارد.

ویدیوهای یوتیوب با موضوع عرضه و تقاضا

من الگوها، ابزارها و اندیکاتورهای شخصی خودم را برای پلتفرم متاتریدر4 درست کرده‌ام که به شما کمک می‌کند مستطیل ها (برای عدم تعادل عرضه و تقاضا) را ترسیم کنید و آنها را تا قیمت روز[25] گسترش دهید، همچنین این ابزارها تعداد پیپ‌های موجود در محدوده را محاسبه می‌کند، روندهای عدم تعادل را به طور خودکار در بازه‌های زمانی بلندتر مانند نمودارهای روزانه و هفتگی، ترسیم می کند. تا بتوانید ببینید که عدم تعادل‌هایِ بازه‌های زمانی کوتاه‌تر در ارتباط با نمودارهایی با بازه‌ی زمانی بلندتر و عدم تعادل‌های بزرگتر، کجا قرار دارند. موقعیت مکانی و زمینه مهم هستند، بنابراین بهتر است ابزارهایی داشته باشید که به شما کمک کنند تا مشخص کنید که این عدم تعادل‌ها در کجا واقع شده‌اند، چون ممکن است سهامی را در عدم تعادل عرضه در بازه‌ی زمانی بلندتر بعد از افزایش شدید قیمت بخرید؛ که ایده خوبی نیست...

برخی از اعضا، اندیکاتورهایی برای سایر پلتفرم‌ها، Trading View، Trade Station، Trade Tiger و غیره دارند.

این اندیکاتورها در یک بسته رایگان که باید به همراه پی‌دی‌اف این کتاب دانلود می‌کردید، گنجانده شده است. دستورالعمل‌ها را دنبال کنید و آنها را بر روی پلتفرم متاتریدر 4 خودتان نصب کنید. دوست داشتم که می‌توانستم ابزارهای مشابهی را برای سایر پلتفرم‌های معاملاتی درست کنم، اما واقعاً نمی‌توانم؛ ابزارهای مورد نیاز را برای معاملات خودم و پلتفرمی که استفاده می‌کنم درست می‌کنم، فقط نمی‌توانم وقت و منابع خودم را برای کدگذاری آنها برای پلتفرم‌هایی که استفاده نمی‌کنم، صرف کنم.

به هرجهت، من فارغ التحصیل OTA[26] نیستم، هرگز دوره‌ای با آنها نگذرانده‌ام. نخستین قدم‌های من در مسیر یادگیری عرضه و تقاضا در اساس یافته‌های من از منابع آنلاین اینترنتی، چندتا انجمن، ویدیوهای سم سایدن که

---

25 Current Price
26 Organic Trade Association

در دسترس عموم مردم قرار داده شده بود و سایر منابع در مورد عرضه و تقاضا که در اینترنت بود. نه فقط من، بلکه هر کسی که تمام تلاش را برای این کار بگذارد می‌تواند مجموعه قوانین و استراتژی‌های خودش را بسازد.

من فقط برای جمع‌آوری ایده‌های خودم وقت صرف کردم و برای آزمایش و انجام معاملات کاغذی[27] در بازارهای واقعی به شدت تلاش کرده‌ام. من اندیکاتورها، برنامه معاملاتی و قوانین خودم را نوشته‌ام (بسیاری از آنها عمومیت دارند، من اصول را ابداع نکرده‌ام)، و آن را با معامله‌گران دیگر به اشتراک گذاشتم، فقط همین، به همین سادگی. عرضه و تقاضا قاعده‌ای است که بر بازارها حاکم است، من فقط تفسیر خودم را در نتیجه سال‌ها آزمایش مجموعه‌ای از قوانین ایجاد کردم.

اگر شما با هر یک از انجمن‌های آموزشی عرضه و تقاضا در دسترس آموزش دیده‌اید، اصطلاحات و جملات استفاده شده در این پی‌دی‌اف ممکن است برای شما آشنا باشد. استفاده از اصطلاحات متفاوت فایده‌ای ندارد. یک سطح تازه همان سطح تازه، افزایش و افت، تازه و اصلی، دامنه[28]، منزلت سهام[29]، اشباع خرید، اشباع فروش همان معنی خودشان را می‌دهند. من این اصطلاحات را ابداع نکردم، این اصطلاحات مشترکاً توسط بسیاری از آموزگاران و معامله‌گران عرضه و تقاضا در همه جای دنیا استفاده می‌شوند.

این نکته مهم را به‌خاطر بسپارید: هر چه از اندیکاتورهای بیشتری در نمودارتان استفاده کنید، مجبور خواهید شد که قواعد بیشتری به برنامه‌ی معاملاتی‌تان اضافه کنید. افزودن اندیکاتور به این معنی است که شما باید قوانینی برای اینکه چه زمانی آن را به کار ببندید و چه زمانی از آن استفاده نکنید، اتخاذ کنید و با آن را با دیگر متغییرهای برنامه‌ی معاملاتی‌تان تطبیق دهید. اگر اندیکاتورهای زیادی اضافه کنید، در متغیرها و تصمیماتی که باید در هر معامله بگیرید، غرق خواهید شد، که منجر به تجزیه و تحلیل بیش از حد و فلج معاملاتی می‌شود.

تجزیه و تحلیل ویدیو عرضه و تقاضا را در کانال یوتیوب من تماشا کنید.

---

27 Forward test
28 Range
29 Altitude

چالش نسبت ریسک به ریوارد سه به یک[30]

برای موفقیت در معامله، به یک روش قرص و محکم، و لبه و مقدار زیادی عقل سلیم نیاز دارید. نه تنها این موارد، بلکه نظم و انضباط زیاد و یک درک راسخ و مطمئن از این مسئله که اگر به چشم یک حرفه به آن نگاه نکنید، درصد موفقت شما در بلند مدت صفر خواهد بود. من به این آمار باور دارم که می‌گوید 95 درصد یا بیشتر معامله‌گران تازه‌کار، علی‌رغم آگاهی به کاری که انجام می‌دهند با شکست مواجه می‌شوند. آیا واقعاً فکر می‌کنید معامله با فارکس و سهام‌ها یک استثناء خواهد بود و بعد از سه ماه تمرین یا کمتر، برای شما جواب خواد داد؟

اگر به این چالش معاملاتی علاقه‌مند هستید و می‌خواهید روش عرضه و تقاضای بخر و بگذر را بیاموزید، در این سایت مطالعه کنید.

اطلاعات بیشتر در مورد چالش 3:1 در لینک زیر به دست آورید.

اگر در این چالش شرکت کنید، مزایای زیادی برای شما دارد. معاملات‌تان برای همیشه تغییر خواهند کرد.

در مورد چالش بیشتر بیاموزید.

این ویدیوی دوازده دقیقه‌ای کوتاه قدرت ریسک و پاداش و چالش 3:1 را نشان می‌دهد.

دست نمی‌کشم تا وقتی که برنده بشوم

این چیزی است که من به آن باور دارم و حاضرم برای آن بمیرم.

---

30 3:1 Risk/Reward

مهم نیست چقدر بد است یا بد می‌شود، من از پس‌ش برمی‌آیم! این همان چیزی است که باید هر روز وقتی درمقابل ایستگاه‌های معاملاتی خود نشسته‌ایم، با خود بگوییم.

در حال حاضر برخی از شما می خواهید به مرحله‌ی بعدی بروید... در مورد ما، تبدیل شدن به یک معامله‌گر موفق... شما نمی‌توانید از لحاظ اقتصادی به آن سطحی که می‌خواهید برسید تا زمانی که روی ذهن و خودتان، سرمایه‌گذاری کنید.

این ویدیوی انگیزشی شش دقیقه‌ای از اریک توماس و ویل اسمیت را تماشا کنید، اگر تمایل دارید هر روز آنها را تماشا کنید. برای موفقیت در هر کاری باید همچین نظری نسبت به خودمان داشته باشیم. برای تماشای فیلم‌ها بر روی تصاویر کلیک کنید.

چیزهایی که نباید روی نمودارتان ببینید.

نمودار زیر، یک نمودار اشباع‌شده با اندیکاتورها را نشان می‌دهد. با مشقت می‌توانید کندل‌استیک‌ها را ببینید. شما می‌خواهید یک معامله‌گر شوید، نه یک نقاش انتزاعی مانند پیکاسو.



خرچنگ‌ها؟ خیلی خوشمزه‌اند. من عاشق خرچنگ هستم! اما به دقت به آن نگاه کنید، به سختی می‌توانید حرکات قیمت را مشاهده کنید. این الگوهای خرچنگ[۳۱] با حرکت قیمت و عرضه و تقاضا ایجاد می‌شوند، اما اغلب معامله‌گران بیشتر به الگوها علاقه دارند تا اینکه در وهله‌ی اول، عامل ایجاد آن الگوها را ببینند.



چیزی که باید در نمودارتان ببینید. هیچ اندیکاتوری!

نمودار زیر متعلق به سهام Aurolab هند است. تقاضای روزانه، خط روند صعودی روزانه، تریگر خرید[۳۲]. هیچ اندیکاتوری وجود ندارد. فقط عدم تعادل‌ها هستند. نمودارهای دست نخورده.

همواره برنامه‌ریزی شده، قبل از اقدام.

---

[31] الگوی خرچنگ در سال 2001 کشف شد. همانند دیگر الگوهای هارمونیک*، الگوی خرچنگ نیز یک الگوی بازگشتی است. بنابراین ما الگوی خرچنگ نزولی داریم که نزول قیمت را هشدار می دهد و الگوی خرچنگ صعودی داریم که بازگشت صعودی قیمت را به ما اعلام می کند. الگوهای هارمونیک از الگوهای بازگشتی هستند و می توانند تغییر جهت احتمالی قیمت را به ما نشان دهند. این تغییر جهت ممکن است یک اصلاح موقت قیمت و یا یک تغییر روند باشد.

[32] Long triggered



سهام شرکت اپل آمریکا، تقاضای روزانه‌ی تریگر شده دو روز پیش. همیشه برنامه‌ریزی شده قبل از اقدام.



نمودار روزانه‌ی جفت‌ارز دلار نیوزیلند و آمریکا[۳۳]. در انتظار برای ایجاد تقاضای جدید تا خریداری شود. قبلاً رخ داده است. برنامه‌ریزی‌شده قبل از اقدام. در اینجا بخوانید.

[33] NZDUSD



(با نمودار NZDUSD چه کار می‌شود کرد؟ هیچی. هیچ جهت مشخصی وجود ندارد، عدم توازن جدیدی وجود ندارد. دامنه‌های دقیقه‌ای، هفتگی، روزانه معطل‌اند.)

شاخص دلار. تقاضای روزانه قبلاً انجام شده است. همانطور که در اینجا به آن پرداخته شده است.



(شاخص دلار در بازه‌ی عرضه‌وتقاضای (SD) ماهانه و هفتگی بسیار بالاست، بسیار نزدیک به سطح روانشناختی[34] 100 است. بعد از ایجاد الگوهای ادامه‌دهنده‌ی متوالی روزانه، خط روند تهاجمی روزانه معامله شکسته شده است، باز کردن معامله فروش[35] می‌تواند صورت گیرد، اگر بیرون شدن[36] تقاضای روزانه را ببینیم.)

انواع سطوح، الگوهای ادامه‌دهنده در مقابل نوسان‌ها[37] (دره‌ها و قلّه‌ها)

بیایید یک نگاه سریع به خلاصه‌ای از چهار نوع محدوده‌ای که دنبال دیدن آنها روی نمودار هستیم، بیندازیم.

قله‌ها و دره‌ها: بهترین حالت در منتهی‌الیه محدوده یا نزدیک به آن

---

34 قیمت گذاری روانی (Psychological Pricing)، حالتی از استراتژی های تعدیل قیمت است که در آن قیمت به گونه‌ای تعدیل می‌شود که از نظر روان شناختی تأثیر بالایی در ترغیب مشتری به خرید ایجاد نماید.

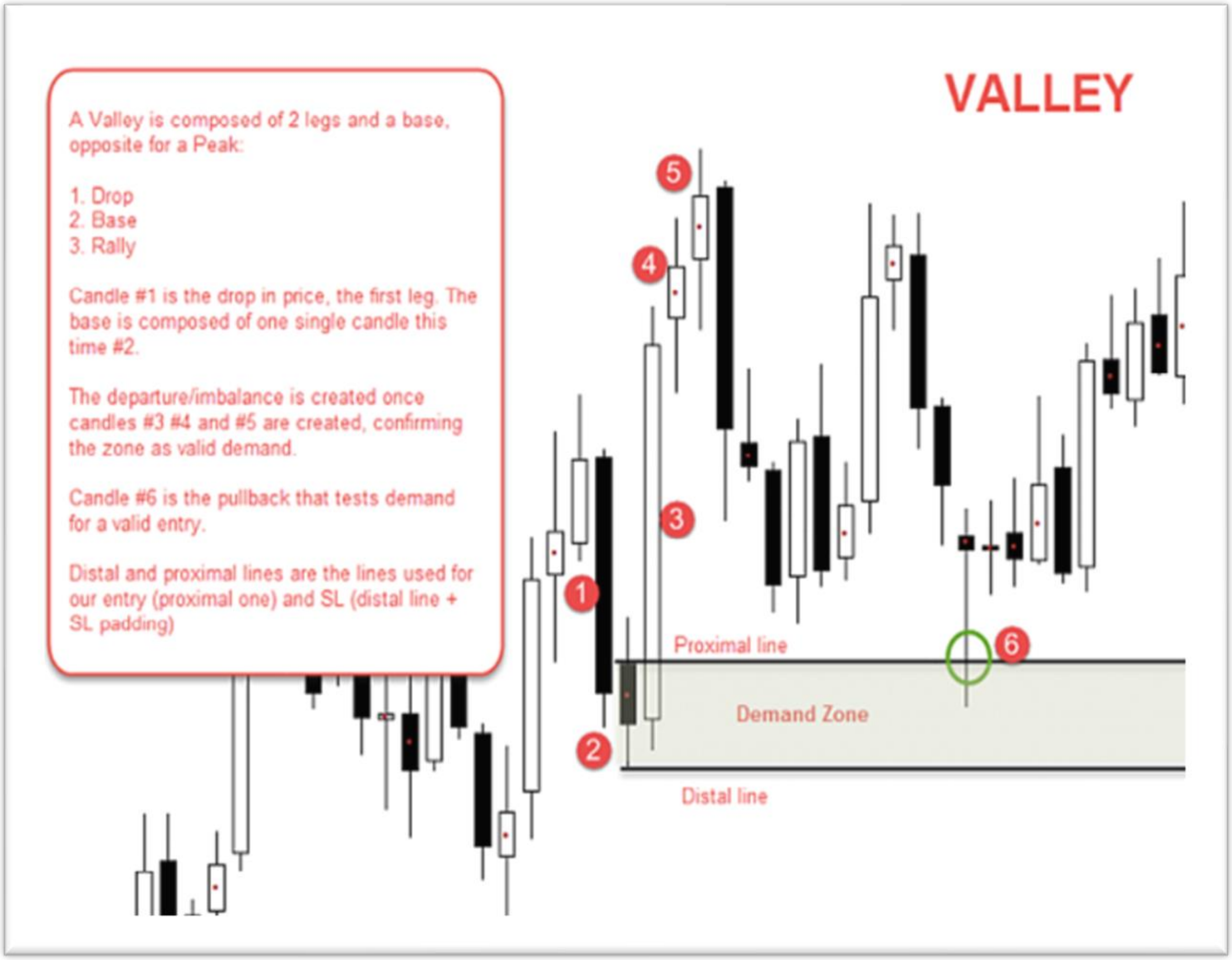
35 Short

36 Taken out

37 Swings

صعود-پایه-نزول **(مقصود از پایه در این ترجمه همان بیس است)**

نزول-پایه-صعود



{یک دره از دو بخش و یک پایه تشکیل شده است. متضاد با قلّه است.

1.نزول 2.پایه 3.صعود

کندل 1 افت قیمت را نشان می‌دهد، ستون اول. پایه تنها از یک کندل (این بار کندل 2) تشکیل شده است.

حرکت[38]/عدم تعادل زمانی ایجاد شده است که کندل‌های 3 و 4 و 5 ایجاد شده‌اند، که محدوده را برای ورود معتبر تایید می‌کنند.

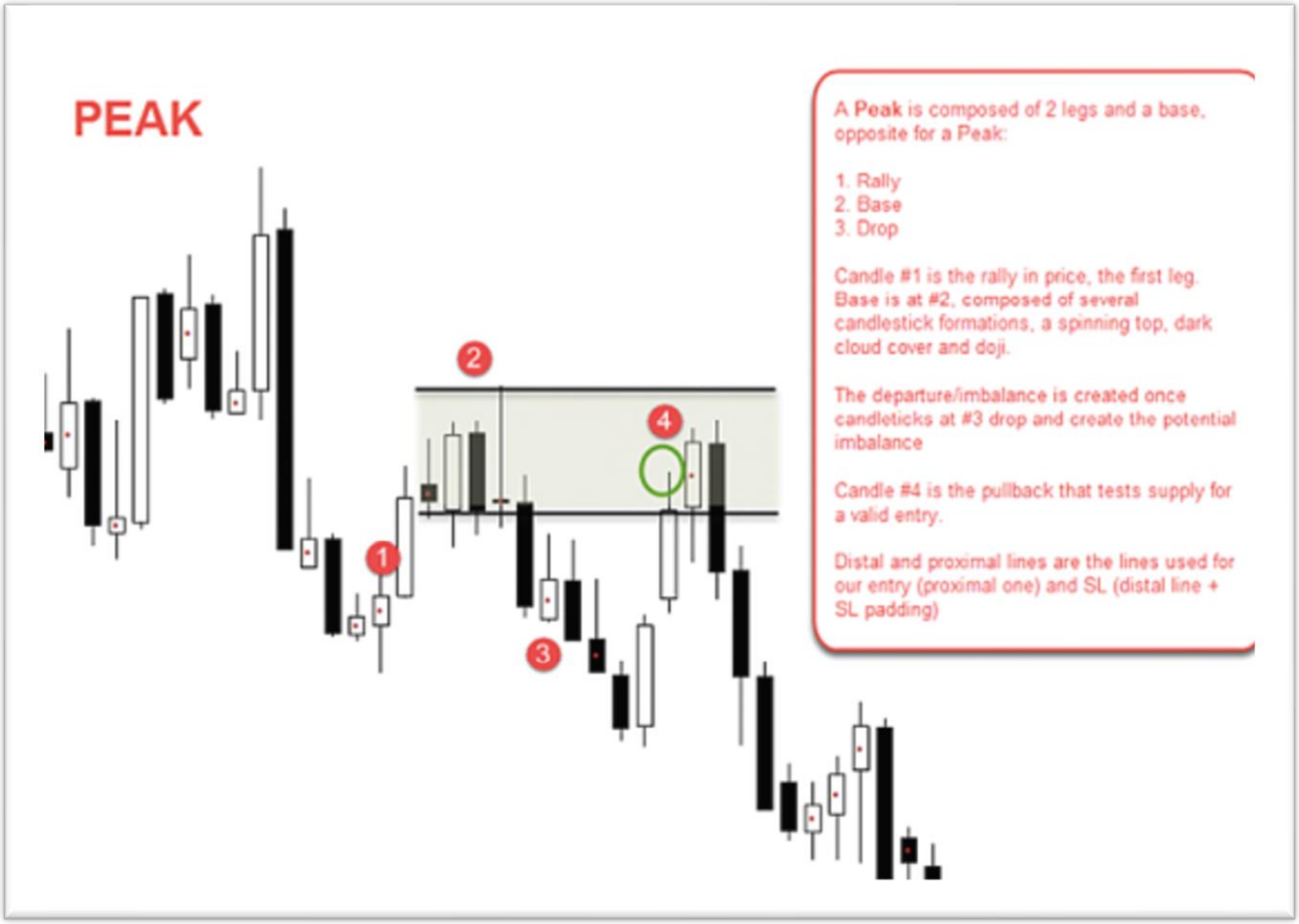
کندل 6 پولبکی[39] است که تقاضا را برای یک ورود معتبر تست می‌کند.

---

[38] Departure

[39] پولبک (در لغت یعنی برگشت به عقب) یا بوسه خداحافظی به برگشت قیمت به سطح مهم قبلی به منظور قدرت گرفتن برای ادامه حرکت گفته میشود (مثلا اگر خط روندی شکسته شود و قیمت بعد از کمی دور شدن از خط روند در حرکت اصلاحی خود به خط روندش سری بزند و برگردد به آن پولبک گفته میشود.)

خطوط دیستال و پروگزیمال[40] خطوطی هستند که برای ورود ما استفاده می‌شوند (خط پروگزیمال) و حد ضرر[41] (خط دیستال به همراه پدینگ[42] حد ضرر)}



{یک قله از دو بخش و یک پایه تشکیل شده است. بر خلاف دره:

1.صعود 2.پایه 3.نزول

کندل 1 افزایش قیمت است؛ اولین ستون. پایه در 2 است که از چندین شکل کندل‌استیک تشکیل شده است؛ یک اسپینینگ‌تاپ، الگوی شمعی ابر سیاه و دوجی.

حرکت/عدم توازن زمانی ایجاد می‌شود که کندل‌استیک‌های 3 افت می‌کنند و یک عدم تعادل بالقوه ایجاد می‌کنند.

---

[40] هر دو خط در اطراف پایه قرار می‌گیرند تا محدوده عرضه یا تقاضای ما را تشکیل دهند. خط دیستال (در لغت به معنی دور از مبداء) خط خارج از محدوده است که دور از قیمت فعلی قرار می‌گیرد. خط پروگزیمال (در لغت به معنای نزدیک به مبداء) خط داخل محدوده است که نزدیک به قیمت فعلی می‌گیرد.

[41] SL (Stop Loss)

[42] پدینگ برای نگهداری/جلوگیری از شکست یا به تاخیرانداختن چیزی اجتناب‌ناپذیر استفاده می‌شود. امکان دارد اینجا به معنی نگه‌داری/جلوگیری به کار رفته باشد.

کندل 4 پولبکی است که عرضه را برای ورود معتبر تست می‌کند.

خطوط دیستال و پروگزیمال خطوطی هستند که برای ورود ما استفاده می‌شوند (خط پروگزیمال) و حد ضرر (خط دیستال به همره پدینگ حد ضرر)}

<u>انواع سطوح، الگوی ادامه دهنده در مقابل نوسان‌ها (دره‌ها و قله‌ها)</u>

الگوی ادامه دهنده: عالی برای مومنتوم[۴۳] وقتی با روند معامله می‌کنیم.

وقتی شما خلاف روند یا در منتهی‌الیه های محدوده هستید، شانس کمی دارید.

صعود-پایه-صعود

نزول-پایه-نزول

اولین کاری که می خواهید انجام دهید این است که متخصص مشخص کردن این نوع سطوح در هر نمودار قیمتی‌ای باشید؛ در بازه زمانی چهارساعته، روزانه و یک ساعته. در واقع مهم نیست که از کدام بازه زمانی استفاده می‌کنید زیرا قیمت فراکتال است؛ هر ساختار و الگویی که وجود داشته باشد، آنها را در تمام بازه های زمانی مشاهده خواهید کرد. بسیاری می‌گویند رسم صحیح سطوح را می‌توان «یک هنر» به حساب آورد. این زمان می‌برد، بنابراین صبور باشید، ذهن و چشم شما نیاز به تمرین دارند و لازم است که مدت‌زمان زیادی را مقابل صفحه کامپیوتر سپری کنید تا ملکه‌ی ذهن‌تان بشود.

---

[43] مومنتوم به معنای قدرت روند است.



{یک الگوی ادامه دهنده از دو بخش و یک پایه تشکیل شده است. 1.صعود 2.پایه 3.صعود

کندل یک اولین ستون (صعود) است؛ کندل‌های بیشتری پایین آن وجود دارند که صعود را حتی طولانی‌تر نشان می‌دهند.کندل دو مکث است، یک کندل پایه پنجاه درصدی، بازار مکث می‌کند. کندل سه و چهار دو کندل ERC[۴۴] هستند که تایید می‌کنند یک عدم تعادل در تقاضای بالقوه الگوی ادامه دهنده در 2 وجود داشته است .در آغاز کندل 2 یک PCP بوده است، اما وقتی صعود شدید در کندل 3 و 4 اتفاق افتاد، PCP تبدیل به یک الگوی ادامه دهنده تقاضا شد.

ریسک ما توسط خطوط پروگزیمال و دیستال به همراه فضای پایین خط دیستال.}

---

44 ضریب واکنش به سود (به انگلیسی Earning Response Coefficient)

نمودار جریان[45] که نحوه ترسیم خودکار عدم تعادل عرضه و تقاضا را نشان می دهد. این نمودار جریان توسط دوست ما رابین، عضو انجمن بخر و بگذر ایجاد شده است. او چند نمودار جریان دیگر درست کرده است که در انجمن در دسترس است: نحوه ترسیم خط روند، استراتژی اصلی نمودار جریان، توالی و غیره. من این مورد را اینجا با شما به اشتراک می‌گذارم تا بدانید برخی از اعضا اخیراً در انجمن بخر و بگذر چه کارهایی انجام داده‌اند.

در این نمودار جریان خواهید دید که چگونه:

به طور خودکار محدوده‌های عرضه و تقاضا را رسم کنید، پایه‌های خوب و آن‌هایی که خوب نیستند را به وسیله‌ی قرار دادن کندل‌های پنجاه درصدی، ستون‌های اول و دوم که هر سطح عرضه و تقاضا از آنها تشکیل شده است، تشخیص دهید؛ آن‌هایی که شانس بالا ندارند مانند دنباله[46]/حرکات شارپی[47] طولانی در پایه‌ها، معاملات زیاد در پایه و غیره را تشخیص دهید.

برای یافتن سطوح عرضه و تقاضا، چه قدر باید در زمان به عقب برگردم؟

تا آنجا که نیاز دارید؛ روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و حتی سال‌ها!

<u>سطوح تازه در مقابل سطوح اصلی</u>

سطوح عرضه و تقاضا می توانند:

–**تازه باشند**. قیمت هنوز پولبک[48] نشده باشد؛ سطح آزمایش نشده.

–**غیر تازه باشند**. قیمت حداقل یک بار به سطح پولبک شده باشد.

---

45 Flow Chart

46 Tailed

47 حرکت شارپی یا «spike» مجموعه‌ای از حرکت‌های صعودی یا نزولی قیمت در بازار است که با مقیاسی تقریبا بزرگ و در یک بازه زمانی کوتاه صورت می‌گیرد.

48 pullback

–**مصرف شده باشند**. قیمت چندین بار به سطح بازگشت داشته است، برای معاملات مناسب نیست.

–**اصلی باشند**. سطح کاملاً خود به خود ایجاد شده است، و واکنشی به سطح قبلی نیست.

–**اصلی و تازه باشند**. مانند اصلی است، اما در عین حال تازه است (آزمایش نشده است)

از کجا بفهمیم سطح اصلی عرضه را داریم؟ (در مقابل سطوح اصلی تقاضا)

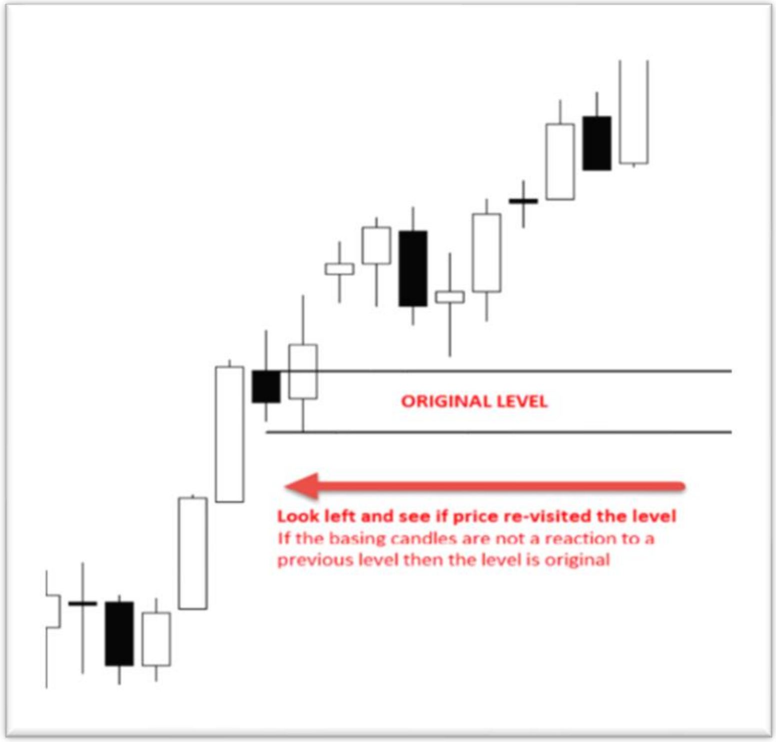
-به سمت چپ نگاه کنید تا سطوح اصلی را پیدا کنید.

-یک خط افقی در خط دیستال بکشید، و در نمودارهای خود تا اینکه به یک کندل‌استیک برسید.

-اگر آن کندل‌استیک بخشی از سطح دیگری از عرضه باشد، سطح عرضه‌ای که شما به آن نگاه می‌کردید یک سطح اصلی نبوده است.

-شما نمی توانید از وسط کندل‌استیک‌ها عبور کنید، یعنی وقتی با کشیدن خط افقی به سمت چپ نگاه می‌کنید و خط با یک کندل‌استیک برخورد می‌کند، توقف کنید و تصمیم بگیرید که آیا این یک واکنش به سطح عرضه قبلی است؟

-برای اینکه بدانید یک سطح اصلی است یا نه، باید به سمت چپ و به مبداء سطح نگاه کنید.



{به سمت چپ نگاه کنید و ببینید آیا قیمت ملاقات مجدد با سطح داشته است؟ اگر کندل‌های پایه واکنشی به یک سطح قبلی نیستند، سطح اصلی است.}

<u>سطوح تازه در مقابل سطوح اصلی</u>

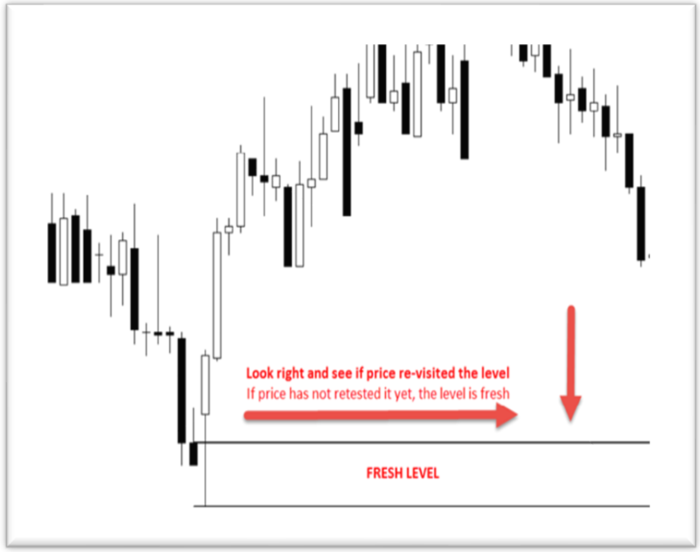
چگونه می توان فهمید که سطح تازه عرضه داریم؟ (در مقابل سطح تازه تقاضا)

-برای یافتن سطوح تازه به سمت راست نگاه کنید.

-در خط پروگزیمال یک خط افقی بکشید و ببینید آیا قیمت با سطح برخورد داشته است یا خیر.

-اگر قیمت به خط پروگزیمال پولبک نداشته است، سطح تازه است.

-تازه بودن یک سطح وقتی مشخص می‌شود که شما به سمت راست نگاه کنید؛ باید ببینید آیا قیمت به آن سطح پولبک داشته است یا خیر.



{به سمت راست نگاه کنید و ببینید آیا قیمت ملاقات مجدد با سطح داشته است. اگر قیمت هنوز آن را بازآزمایی[49] نکرده است، سطح تازه است.}

چه زمانی عدم عرضه و یا تقاضا به عنوان یک سطح تأیید می‌شود؟

یک محدوده یا عدم تعادل تحت این دو شرایط خاص تأیید می‌شود:

1. عدم تعادل یک منطقه مخالف را بیرون کرده باشد.

2. یک خط روند، که دو قله‌ی اخیر را به هم مرتبط می‌کرده است و قله‌ها (نوسان‌های خرید و اوج‌ها) با کندل‌های کاملی که دورتر از آن تثبیت شده‌اند، شکسته شده باشد.



{عرضه جدید روزانه ایجاد شده است بعد از اینکه خط روند صعودی‌ای که جدیدترین دو قله را به هم مرتبط می‌کرده است، شکسته شده است.}

49 بازآزمایی یا (به انگلیسی Retest) به حرکت معکوس قیمت بعد از یک شکست و بازگشت آن به سطح شکست برای اینکه مشخص شود آیا می‌تواند باقی بماند یا نه گفته می‌شود.



{محدوده تقاضا هنگامی که محدود مخالف حذف شود، تایید می‌شود.}

چه زمانی یک عدم تعادل به عنوان یک سطح تایید می‌شود؟

نمودار روزانه جفت‌ارز دلار آمریکا و کانادا، یازده نوامبر 2016، شکست‌های خط روند عدم تعادل عرضه و تقاضا ایجاد کرده است.



چه زمانی محدوده‌ای را دیگر معتبر به حساب نمی‌آوریم؟ چه زمانی آن را شکسته‌شده در نظر می‌گیریم و لازم است که از نمودارهایمان حذف‌ش کنیم؟

محدوده زمانی‌ای که به مقدار کم در حد 1 پیپ یا تیک بیرون شده باشد، دیگر معتبر نیست.

ما منتظر یک توقف (انسداد) در بالا یا پایین محدوده نیستیم تا محدوده را به عنوان اختلال[۵۰] در نظر بگیریم. منتظر یک کندل کامل OCHL[۵۱] در بالای/ پایین محدوده نیستیم.

گاهی اوقات، می‌بینیم که تعداد کمی از پیپ‌ها فراتر از حد معین محدوده‌ها پیشروی کردند و در دیگر محدوده‌ها با مقدار زیادی پیپ. و بعد از آن شاهد افت/افزایش خواهیم بود، به احتمال زیاد وقتی که حد ضرر ما ضربه خورده است. در این صورت، ممکن است سطح کاملاً جدید، خریداران/فروشندگان متقاضی مورد تایید را ایجاد کرده باشد. که می‌تواند برای معامله خوب باشد زمانی که برای آزمایش آن، به وسیله‌ی نوع تایید ورود پولبک می‌کند.



{عدم تعادل‌ها، به وسیله‌ی مقدار کمی در حد یک پیپ یا تیک، مورد پیشروی قرار گرفته‌اند، که یک عدم تعادل مخالف را ایجاد می‌کنند که قیمت به آن واکنش نشان می‌دهد.}

---

[50] Violation

[51] OHLC نوعی نمودار میله‌ای است که قیمت های باز، بالا، پایین و نهایی را برای یک دوره نشان می دهد. نمودارهای OHLC به دلیل این که چهار نکته اصلی داده‌ها را در طول زمان نشان می دهند مفید هستند؛ و به خصوص قیمت نهایی که از نظر معامله‌گران بسیار مهم است.

چگونه عدم تعادل‌ها را رسم کنیم؟ چه الگوهایی میتوانیم ببینیم؟

برای کندل‌استیک‌ها الگوهای زیادی وجود دارد، بنابراین زمان زیادی لازم است تا شما در مورد همه آنها یاد بگیرید و حتی زمان بیشتری برای اینکه آنها را به خاطر بسپارید. برای ترسیم عدم تعادل‌های عرضه و تقاضا نیازی به یادگیری همه الگوها نیست زیرا فقط چندتایی از الگوهای کندل‌استیک برای تعیین و ترسیم اکثر پایه‌ها در عدم تعادل‌ها استفاده می‌شود. این الگوها عبارتند از: الگوی انگالفینگ[۵۲]، پیرسینگ[۵۳]، هارامی[۵۴]، ستاره‌های صبحگاهی/عصرگاهی[۵۵]. از کندل‌های موج بالایی[۵۶]، سایه شمع‌ها[۵۷]برای ایجاد عدم تعادل استفاده نمی‌شود. ما نیاز به پایه‌ها و توقف‌های مشخص در بازار داریم.

الگوهایی که برای تعیین پایه در بیشتر عدم تعادل‌ها استفاده خواهیم کرد عبارتند از:

1. **الگوهای انگالفینگ**
2. **الگوهای پیرسینگ**
3. **هارامی**
4. **ستاره های صبحگاهی و عصرگاهی**

اگر هنوز علاقه مند به یادگیری همه الگوهای کندل‌استیک هستید، مطمئن شوید که کتاب‌های استیو نایسون در مورد کندل‌استیک‌ها را در اختیار دارید، اما به یاد داشته باشید که که خیلی درگیر آنها نشوید. همانطور که استیو نیسون می‌گوید، کندل‌استیک‌ها اگر همراه با یک استراتژی معامله نشوند بی‌فایده هستند، به تنهایی فایده‌ای ندارند. کتاب The Candlestick Course و کتابBeyond Candlesticks هر دو نوشته‌ی استیو نیسون گزینه‌های خوبی هستند.

---

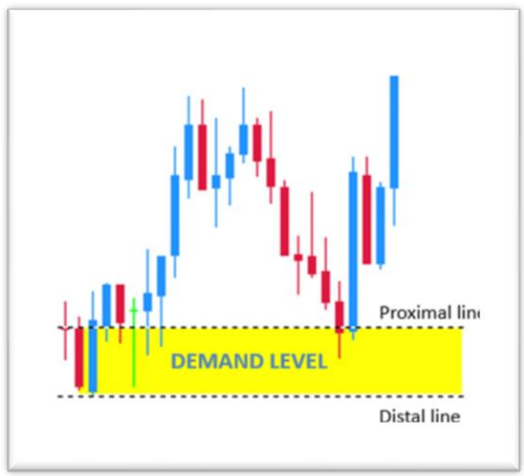
52 Engulfing pattern
53 Piercing pattern
54 Haramis
55 Morning and evening stars
56 High wave candles
57 Wicky candles

چگونه عدم تعادل‌ها را رسم کنیم؟ خطوط پروگزیمال و دیستال

پایه هر عدم تعادل را می توان با یک خط پروگزیمال و یک خط دیستال تعریف کرد. خط دیستال دورترین قیمت از قیمت فعلی و خط پروگزیمال نزدیکترین به پرایس‌اکشن فعلی خواهد بود. خطوط پروگزیمال همیشه در بالای تقاضا و در پایین عرضه هستند، برعکس خطوط دیستال.

هنگام رسم تقاضا، همیشه باید پایین‌ترین افت‌ها را در منطقه پایه یا دره (نوسان کم) پوشش دهید. هنگام کشیدن عرضه، همیشه بالاترین قله‌ها را در منطقه پایه یا قله (نوسان زیاد) پوشش دهید. همیشه.





ویدیویی کوتاه از خطوط پروگزیمال و دیستال

به زودی ایمیلی حاوی یک فیلم کوتاه دریافت خواهید کرد که جزئیات بیشتری در مورد نحوه‌ی ترسیم عدم تعادل‌ها بر اساس الگوهای کندل‌استیک (که برای تعیین و ترسیم عدم تعادل‌ها از آنها استفاده خواهیم کرد) در اختیار شما خواهد گذاشت.

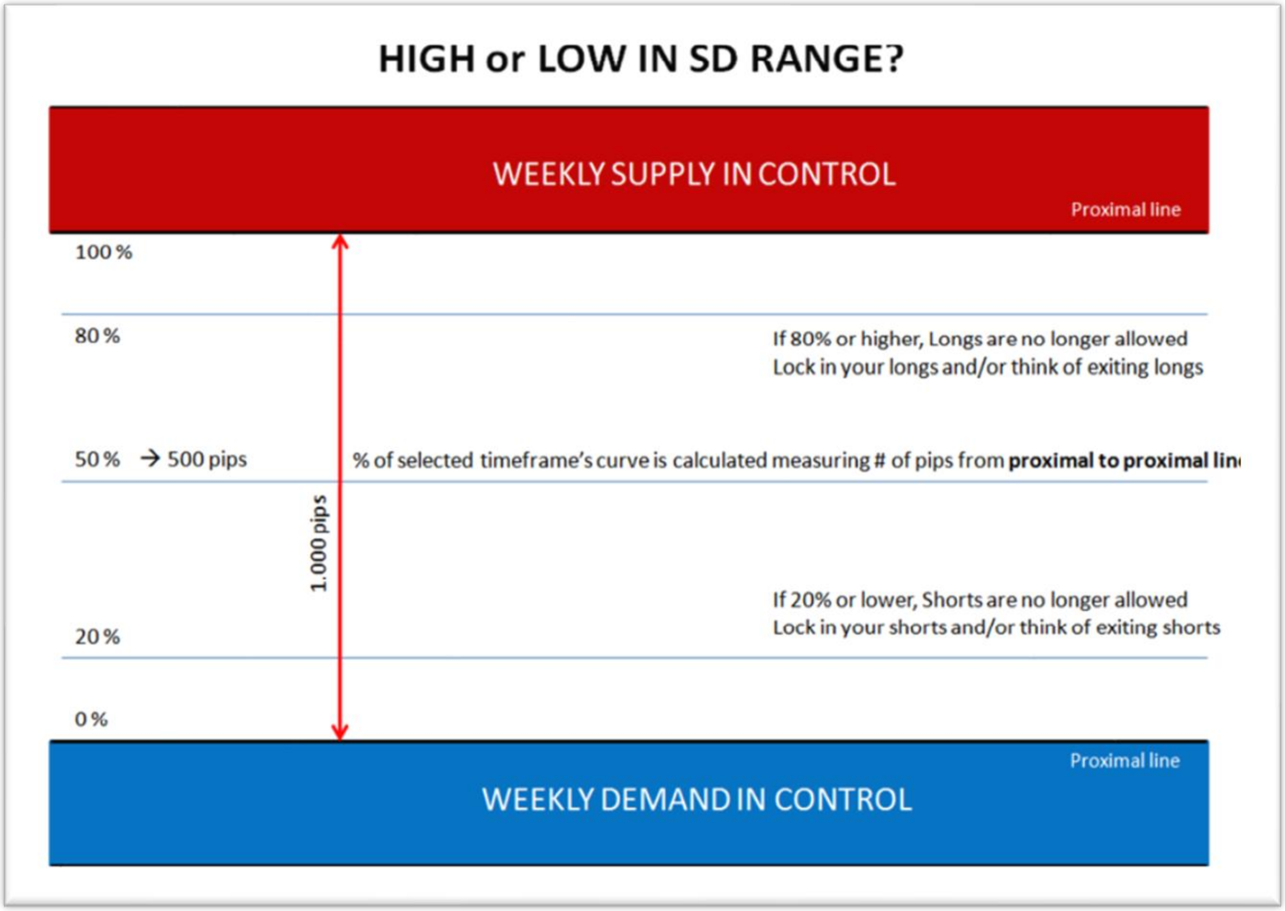
[با قیمت] پایین خریداری کنید، [با قیمت] بالا بفروشید. محدوده‌ی عرضه و تقاضا

ارزیابی کردن [قیمت] هنگامی که روند تغییر کرده است یکی از دشوارترین مواردی است که یک معامله‌گر با آن رو به رو خواهد شد. زیرا هر بازه زمانی روند خاص خود را دارد و روندهای متعدد با هم هم‌زیستی دارند. ممکن است درحال معامله با بازه‌ی یک ساعته با روند صعودی باشید، اما بازه‌زمانی روزانه، روند نزولی و بازه هفتگی روندی صعودی داشته باشند. بنابراین، اولین کاری که باید انجام دهید این است که تصمیم بگیرید که کدام بازه‌های زمانی در توالی خود را برای تجزیه و تحلیل بازه چندزمانی و روند، استفاده خواهید کرد. به بازه‌های زمانی که برای معامله انتخاب می کنید پایبند باشید، آنها را ناگهانی تغییر ندهید، همیشه از همان‌هایی که انتخاب کردید استفاده کنید. سپس بازه زمانی ورود را انتخاب کنید، جایی که سطوح ورود عرضه و تقاضای خود را ترسیم خواهید کرد. پس از آن، برای ارزیابی اینکه در دامنه چقدر بالا یا پایین هستید، بازه زمانی را تعیین کنید. به شما نشان خواهد داد که آیا برای خرید خیلی بالا یا برای فروش خیلی پایین هستید. این به شما کمک می‌کند تا در انتخاب سطوح یا TP[۵۸] های خود (خروج‌ها) کمتر تهاجمی عمل کنید.

اگر در محدوده خیلی بالا هستید، باید به فکر خروج از معاملات خریدتان باشید و به دنبال محدوده‌های عرضه باشید تا برای فروش‌هایتان به آنها تکیه کنید؛ اگر شانس و روند با شما همراه باشند.

از تصویر سمت راست به عنوان راهنما استفاده کنید تا بطور خودکار بدانید که در دامنه چقدر بالا یا پایین هستید. تصمیم بگیرید که چه درصدی را که در دامنه بالا در نظر (چقدر به بازه زمانی بالاتر خط پروگزیمال نزدیک هستید) و اگر قیمت بالاتر از آن درصد بود خرید نکنید. همین کار را برای درصد پایین انجام دهید. در مورد آن تصمیم بگیرید و قوانین را زیر پا نگذارید، اگر بدین گونه عمل کنید از ضررها جلوگیری خواهید کرد.

[58] حد سود (به اختصار Take Profit:TP) به معنای این است هنگامی که وارد معامله ای می‌شویم و آن معامله در جهت دلخواه ما پیش میرود، باید قیمتی را برای خارج شدن از آن معامله با سود در نظر بگیریم که به این قیمت حد سود یا تیک پروفیت گفته می شود.



تجزیه و تحلیل بالا به پایینِ بازه چندزمانی

تحلیل بازه چندزمانی چیست؟ تحلیل بالا به پایین چیست؟

بیشتر معامله گران فنی در بازارهای فارکس و آتی، چه تازه‌کار باشند و چه افراد حرفه‌ای، در تحصیلات خود با مفهوم تحلیل بازه چندزمانی برخورد کرده‌اند. با این حال، تجزیه و تحلیل بازه چندزمانی اولین سطح تجزیه و تحلیل است که اغلب وقتی معامله‌گر یک لبه در بازار پیدا می‌کند، فراموش‌ش می‌کند.

تجزیه و تحلیل بازه چندزمانی، نظارت بر یک دارایی در بازه‌های زمانی مختلف را در بر می‌گیرد. در حالی که هیچ محدودیتی در مورد اینکه چگونه بازه‌های زمانی متعدد می‌توانند نظارت شوند، یا اینکه کدام بازه‌های زمانی انتخاب شوند وجود ندارد. دستورالعمل‌های کلی وجود دارد که یک معامله‌گر باید آنها را دنبال کند.

استفاده از سه بازه زمانی متفاوت، نمای گسترده‌تری از هر بازاری ارائه می‌دهد. استفاده کمتر از این مقدار بازه زمانی می تواند منجر به از دست رفتن قابل توجهی از داده‌ها شود، در حالی که استفاده بیشتر از آنها هم معمولاً باعث تجزیه و تحلیل افراطی و تردید می‌شود. هنگام انتخاب سه بازه زمانی، یک روش ساده می تواند پیروی از قانون چهار باشد. این بدان معنی است که ابتدا باید یک بازه زمانی میان‌مدت تعیین شود که باید استانداردی راجع به مدت زمان نگهداری معامله‌ی متوسط ارائه دهد. بدین طریق، باید یک بازه زمانی کوتاه‌مدت‌تری انتخاب شود و حداقل یک چهارم بازه زمانی میانی باشد؛ برای مثال: یک بازه زمانی یک‌ساعته برای بازه‌ی کوتاه‌مدت و بازه زمانی چهار ساعته برای بازه‌ی متوسط یا میانی. از طریق همان محاسبه، بازه زمانی بلندمدت باید حداقل چهار برابر بیشتر از بازه‌ی میانی باشد، بنابراین با توجه به مثال قبلی، نمودار روزانه، سومین بازه زمانی است.

برگزیدن بازه‌ی زمانی صحیح هنگام انتخاب [از بین] سه دوره، ضروری است.

واضح است که یک معامله‌گر بلندمدت که ماه‌ها موقعیت‌ها را نگه می‌دارد، ترکیب پانزده دقیقه‌ای، یک ساعته و چهار ساعته به ندرت به کارش می‌آیند. به همین صورت، یک معامله گر روزانه که برای ساعت‌ها (و به ندرت بیشتر از یک روز) موقعیت‌ها را نگه می‌دارد، ترکیبات روزانه، هفتگی و ماهانه کمتر به کارش می‌آیند. این بدان معنا نیست که اگر معامله‌گر بلندمدت از نمودار چهارساعته استفاده کند یا اگر معامله‌گر کوتاه‌مدت در مجموعه‌ی خود نمودار روزانه هم داشته باشد، سود نخواهند کرد.

<u>ترکیب کردن همه با هم</u>

هنگامی که هر سه بازه زمانی برای ارزیابی یک ابزار ترکیب شوند، بدون در نظر گرفتن سایر قوانین اعمال شده، به راحتی احتمال موفقیت در معاملات خود را بهبود خواهید بخشید. انجام تجزیه و تحلیل بالا به پایین به شما کمک می‌کند تا با روند بزرگتر، آنچه ما نمای کلی می‌نامیم، معامله کنید. این به تنهایی ریسک را کاهش می‌دهد زیرا احتمال بیشتری وجود دارد که پرایس‌اکشن در نهایت با روند طولانی‌تر ادامه پیدا کند. سطح اطمینان به یک

معامله باید با چگونگی چیدمان بازه‌های زمانی در تحلیل بالا به پایین اندازه گیری شود. به عنوان مثال، اگر روند بزرگتر روند صعودی داشته باشد اما روند میان‌مدت و کوتاه‌مدت روند نزولی داشته باشند، فروش در بازار ایده خوبی نیست، باید درمورد هدف قیمت[59] خود محتاط باشید و درصورتی که تصمیم به انجام معامله گرفته بودید، دست بکشید. به همین شکل، پیش از آنکه برای پیوستن به روند صعودی بلندمدت تصمیم بگیرید، بهتر است صبر کنید تا یک منطقه تقاضا با بازه زمانی بالاتر ایجاد شده باشد.

یکی دیگر از مزایای بارز استفاده از ترکیب بازه‌های چندزمانی در تجزیه و تحلیل معاملات‌تان، توانایی شناسایی مناطق عرضه و تقاضا و همچنین شناسایی سطوح ورود و خروج شدید است. شانس موفقیت یک معامله زمانی بیشتر می‌شود که با نمودار کوتاه مدت پیش می‌رود؛ زیرا معامله گر را قادر به جلوگیری از ورود به قیمت‌های پایین، توقف بی‌جا و/ یا اهداف غیرمعقول می‌سازد.

تجزیه و تحلیل بازه چندزمانی در هنگام معامله با هر استراتژی‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است، عرضه و تقاضا از این قاعده مستثنی نیستند. ما می‌توانیم برای ورودی‌های خود از ترکیب دو بازه‌زمانی یا سه بازه‌زمانی استفاده کنیم. من شخصاً از یک ترکیب سه بازه‌ای استفاده می‌کنم، چون استرس کمتری دارد و اوقات فراغت بیشتری برایم فراهم می‌کند؛ که این باعث می‌شود مثل دیوانه‌ها نمودارها را تماشا نکنم. علاوه بر این، من آن را برای مدت زمانی طولانی آزمایش کرده‌ام.

---

59 Target profit

نمای کلی معاملات سویینگ[60]:

ترکیب بازه‌های زمانی برای تنظیم [معاملات] میان‌مدت.

بازه‌ی زمانی کلی: نمودار هفتگی برای محدوده‌ی عرضه‌مان/تقاضای‌مان و جهت کلی‌تر

محدوده‌ی میانی: نمودار روزانه برای محدوده‌ی عرضه/تقاضا میانی‌تان وجهت کلی‌تر

اجرا: نمودار چهار ساعته برای بازه زمانی ورود

نمای کلی معاملات روزانه:

ترکیب بازه‌های زمانی برای تنظیم معاملات روزانه کوتاه‌مدت.

بازه‌زمانی کلی: نمودار روزانه برای محدوده‌ی عرضه‌مان/تقاضای‌مان و جهت کلی‌تر

محدوده‌ی میانی: نمودار چهار ساعته برای محدوده‌ی عرضه‌تان/تقاضای‌تان و جهت کلی‌تر

اجرا: نمودار چهار ساعته برای بازه‌ی زمانی ورود

نمای کلی معاملات پوزیشن:

اگر انتخاب کنیم که تمرکزمان را روی سطوح عرضه و تقاضای یک روزه به عنوان بازه‌زمانی ورودتان بگذاریم، از این ترکیب بلندمدت‌تر استفاده کنید.

بازه‌زمانی کلی: نمودار ماهانه برای محدوده‌ی عرضه‌مان/تقاضای‌مان و جهت کلی‌تر

جهت میانی: نمودار هفتگی برای جهت میانی و بخشی از تجزیه و تحلیل با توالیِ بالا به پایین

بازه‌زمانی اجرا و مدیریت معامله: نمودار یک روزه. این نموداری است که باید در آن سطوح‌مان را رسم و انتخاب کنیم، جایی که سفارشات محدود خود را تنظیم می‌کنیم.

همچنین با این نمودار معاملات خود را مدیریت می‌کنیم؛ از حد ضرر فنی برای حرکت دادن حد ضررمان به بالا یا پایین منطقه‌های عرضه‌وتقاضای یک روزه استفاده خواهیم کرد.

---

[60] Swing trading

مثالی از توالی پوزیشن‌ها: ماهانه، هفتگی، روزانه

سهام Aurolab هند. ماهانه روندی صعودی دارد. قیمت در بازه تقاضای روزانه و هفتگی معامله مجدد[61] شده است. خرید[62] تریگر شده است. نسخه اصلی ثبت‌شده را قبل از اقدام از اینجا بخوانید.



{خریدهای برنامه‌ریزی‌شده در Aurolab در حال اجرا هستند، تقاضای روزانه و تقاضای هفتگی در روند صعودی ضربه خورده بودند.}

---

[61] معامله مجدد (به انگیسی: Retrade): معامله مجدد که پس از توافق شرایط توسط طرفین بین خریدار و فروشنده انجام می‌گیرد.

[62] Long triggered

مثالی از توالی نوسان: هفتگی، روزانه، چهارساعته

نفت UKOIL. عرضه هفتگی کنترل را در دست دارد. عرضه روزانه تریگر شده است، محدوده‌های جدید چهارساعته‌ی عرضه وجود دارند که فروش در آن‌ها صورت می‌گیرد. فروش تریگر شده است. نسخه اصلی ثبت‌شده را قبل از اقدام از اینجا بخوانید.



{عرضه جدید چهار ساعته ایجاد شده است، بعد از اینکه خط روند صعودی چهارساعته را شکسته و تقاضای چهارساعته را حذف کرده است. قیمت برای بازگشت به عرضه چهارساعته (که در محدوده معتبر عرضه یک روزه قرار گرفته است و در حال اجرا شدن روی نفت است) به حدنصاب نرسیده است. منحنی‌های هفتگی و ماهانه خیلی بالا هستند، بازه‌های زمانی بزرگ‌تر کنترل را در دست دارند، خریدی وجود ندارد.

گرایش به فروش در محدوده عرضه چهارساعته یا محدوده‌های جدید عرضه در حال افت، ایجاد شده است.}

چطور یک روند[63] را با استفاده از عرضه و تقاضا مشخص کنیم؟

چه چیزی یک روند صعودی یا روند نزولی را در هر بازه زمانی موجود تعریف می‌کند؟

هر بازه زمانی می تواند روند متفاوتی داشته باشد. بگذارید نظر خود را درباره روند توضیح بدهم. به یاد داشته باشید که این فقط نظر من درباره‌ی یک روند است، برای من منطقی است بنابراین من از آن استفاده می کنم. آیا به نظر شما منطقی است؟ پس از آن استفاده کنید. از آنجا که ما اصولاً با عدم تعادل عرضه و تقاضا کار می‌کنیم، ایجاد یک قله بالاتر یا یک دره پایین‌تر لزوماً به این معنی نیست که ما با روند موجود ادامه دهیم.

1**. روند صعودی:** مناطق تقاضا مورد توجه قرار می‌گیرند، مناطق عرضه بیرون می‌شوند.

برای تأیید محدوده تقاضا، یک قله‌ی بالاتر **باید** عرضه قبلی را حذف کند.

شما باید از خود بپرسید: آیا عرضه قبلی حذف شده است؟

2**. روند نزولی**: مناطق عرضه مورد توجه قرار می‌گیرند، مناطق تقاضا بیرون انداخته می‌شوند.

برای تأیید محدوده عرضه، یک دره پایین‌تر **باید** تقاضای قبلی را حذف کند.

شما باید از خود بپرسید: تقاضای قبلی حذف شده است؟

3**. ادغام صعودی و نزولی:** ادغام در روند صعودی یا روند نزولی هنگامی رخ می‌دهد که خط روند شکسته شده باشد یا یک محدوده مخالف بیرون شود. وقتی این اتفاق می‌افتد، ما مجاز نیستیم که در جهت خط روند قبلی معامله کنیم تا زمانی که قیمت به یک محدوده HTF (بازه زمانی بالاتر) برسد یا قیمت بالاتر/پایین‌تر، قله‌ها/دره‌های قبلی (که توسط خط روند معتبر قبلی ایجاد شده‌اند) را بشکند، همانطور که در قوانین ادغام مجدد/توالی توصیف شده است.

---

[63] Trend

این سوال را از خود بپرسید: در اینجا با چه نوع معامله‌ای سروکار داریم؟ آیا شما با عدم تعادل عرضه و تقاضا که در نمودار قیمت مشاهده می‌کنید، معامله نمی‌کنید؟ ما می‌خواهیم در مناطقی معامله کنیم که نهادها در آنها ردی از خودشان به جا گذاشته‌اند، جایی که پول هوشمند[۶۴] در کمین است تا پوزیشن جدیدی اضافه کند.
بنابراین، اگر ما در حال معاملات عدم تعادل عرضه / تقاضا هستیم، آیا نباید از بازه‌های زمانی بالاترِ سطوح عرضه و تقاضا برای ارزیابی روند خود استفاده کنیم؟ به یاد داشته باشید، کم بخرید و گران بفروشید.

<u>چه چیزی روند نزولی یا روند صعودی را تعریف می کند؟</u>

-در یک روند نزولی: مناطق عرضه به طور مداوم مورد توجه بوده و مناطق تقاضا بیرون می‌شوند.

-در یک روند صعودی: مناطق عرضه بیرون انداخته می‌شوند، در حالی که مناطق تقاضا مورد توجه قرار می‌گیرند.

به همین سادگی. فقط به نمودار یک روزه یا نمودار هفتگی خود نگاهی بیندازید و ببینید در مناطقی که عرضه و تقاضا کنترل را به دست دارند چه می‌گذرد و تصمیم بگیرید که در کدام جهت معامله کنید. وقتی دانستید که به چه جهتی می‌خواهید بروید، مناطق عرضه و تقاضا با بازه زمانی کمتر با حرکت[۶۵] شدید را تعیین کنید، زمان اندک در سطح، محدوده‌های تازه و حداقل حاشیه سودِ[۶۶] سه به یک (3 برابر یا بیشترِ ریسک در پیپ‌های محدوده‌ی انتخابی‌تان) را مشخص کنید و معامله خود را برنامه ریزی کنید.

تنها دلیل حرکت قیمت در هر حالتی و در همه‌ی بازارها، عدم تعادل در عرضه و تقاضا است. هرچه عدم تعادل بیشتر باشد، حرکت قیمت نیز بیشتر خواهد بود.

---

[64] پول هوشمند یک پول با قدرت است. این پول در اختیار سرمایه‌گذاران عمده‌ای قرار دارد که می‌توانند پیش از دیگران حرکت سرمایه‌ها را شناسایی، پیش‌بینی یا حتی ایجاد می‌کنند. این پول می‌تواند در بازارهای مالی و سرمایه جریان سازی کند و تحولات شگرف قیمتی در سهم‌های مختلف بیافرینند. بنابراین تشخیص جریان پول هوشمند که معمولاً به صورت منسجم وارد بازار شده و حجم و ارزش معاملات در یک بازار را با بازدهی بالا مواجه می‌کند، یکی از روش‌هایی است که برخی از سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری از آن استفاده می‌کنند.

[65] Departure

[66] Profit margin

حرکت شدید قیمت دور از یک سطح نشان می‌دهد که همه سفارشات پر نشده‌اند. به عنوان مثال، در مبداء یک سطح تقاضا، سفارشات فروش کافی برای پرکردن تمام سفارشات خرید وجود ندارد. به همین دلیل است که قیمت با چنین روش شدیدی جابه‌جا می‌شود. با بازگشت قیمت به این سطوح، معامله‌گران تازه‌کار (کسانی که از عرضه و تقاضا اطلاع ندارند) در حال فروش در منطقه‌ای هستند که نهادها (حرفه‌ای‌ها) سفارش خرید خود را قرار داده‌اند. نهادها و حرفه‌ای‌ها از تازه‌کارها خرید می‌کنند، بعد دیگر هیچ سفارش فروشی وجود ندارد بنابراین قیمت دوباره باید افزایش یابد. برعکس این مسئله برای سطوح عرضه صدق می کند. در هر دو مورد، معامله‌گران تازه کار نقدشوندگی‌ای که نهادها برای قراردادن سفارشات خود در بازار به آن نیاز دارند را تأمین می‌کنند.

بهترین فرصت‌ها جایی است که بتوانیم با ارزان‌ترین قیمت ممکن خرید کنیم و با گران‌ترین قیمت ممکن بفروشیم. این در هر بازاری یکسان است. سطوح عرضه و تقاضا در نمودار قیمت همه این سطوح را نشان می‌دهد، شما فقط باید یاد بگیرید که چگونه آنها را ترسیم کنید.

یک نمودار قیمت باز کنید، تعداد زیادی از سطوح عرضه و تقاضا را در هر بازه زمانی مشاهده خواهید کرد. این بدان معنا نیست که ما علاقه مند به معامله در همه آنها هستیم. نسبت به سطوح دیگر، سطوح معین احتمال بیشتری برای نگهداری دارند. شما باید یک روش خودکار مبتنی بر قوانین تنظیم‌شده داشته باشید به همراه درست کردن یک تحلیل و تجزیه‌ی بازه چندزمانی بالا به پایین قبل از اینکه سطوح مورد معامله خود را انتخاب کنید.

چگونه می‌توان یک عدم تعادل بالقوه را اعتبار سنجی و تأیید کرد

چند فاکتورهای متداول وجود دارد که باید در هنگام انتخاب سطوح برای معامله، آنها را در نظر بگیرید. در قسمت پایین برخی از موارد اساسی عبارتند از:

1. **چیزی که سطح به انجام رسانده است.**

2. **قدرت حرکت[۶۷] (حرکت[۶۸])**

3. **ریسک/ پاداش ارائه شده توسط عدم تعادل**

4. **کیفیت پایه**

5. **مکان و زمینه**

6. **ادغام پیوسته[۶۹] و حداقل عدم تعادل**

7. **تلاقی‌هایی مانند شاخص دلار و عدم تعادل‌های** HTF[70]. شاخص دلار آمریکا (مخفف:DXY) شاخصِ ارزش دلار ایالات متحده نسبت به مقدار شش ارز اصلی است. به نظر شما چنین شاخصی چگونه می‌تواند بر فارکس تأثیر بگذارد؟ خیلی زیاد! اگر شاخص دلار در یک بازه زمانی بالاترِ عرضه باشد و یورو نیز در بازه زمانی بالاترِ تقاضا باشد، ما باید اقدام به خرید بکنیم، نباید به چیز دیگری فکر کنیم.

8. **شاخص‌های اصلی.** شاخص‌های اصلی به سهام کشورهایشان متصل هستند، بسیار هم‌بسته هستند. شاخص SP500 با سهام ایالات متحده، شاخص Nifty با سهام هند، UK100 Footsie با سهام انگلیس و غیره.

---

67 Strength of the move
68 Departure
69 Consolidation away

70 معاملات فرکانس بالا (به انگلیسی: High-frequency trading)

متغیرهای بالا برخی از فاکتورهای اصلی هستند (موارد بیشتری وجود دارند) که باید در هنگام انتخاب سطوح مورد معامله، مورد توجه قرار گیرند. من شخصاً از این متغییرها برای تنظیم دقیق فرایند انتخاب سطح استفاده می کنم. به یاد داشته باشید که معامله بازی با اعداد است، همه چیز به آمار مرتبط است.

عرضه و تقاضای حاکم

1. در هر بازه زمانی، یک منطقه از عرضه و تقاضا دارای کنترل است، یعنی وقتی قیمت به آن منطقه رسید، فروشندگان/خریداران تقریباً کنترل را به دست می‌گیرند و قیمت به احتمال زیاد واکنش‌هایی نشان خواهد داد. ما همیشه در مورد شانس صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم تصور یا پیش‌بینی کنیم که چه اتفاقی خواهد افتاد. اگر محدوده تازه و خوب باشد، احتمالاً قیمت بسیار سریع کاهش می‌یابد و هیچ نوع تأییدی جواب نخواهد داد. اگر این محدوده یک یا چند بار مورد برخورد قرار گرفته باشد، آنگاه احتمالاً آنقدر سریع جهش[۷۱] نخواهد کرد یا حتی آن منطقه را نمی‌شکند. آن منطقه جایی است که فروشندگان احتمالاً سفارشات خود را دوباره پر می‌کنند. بنابراین، وقتی قیمت در محدوده عرضه و تقاضا بالا باشد، عرضه کنترل را به دست می‌گیرند.

2. عرضه یا تقاضای حاکم [دارای کنترل] چیست؟ محدوده‌های تازه و غیرتازه‌ی عرضه و تقاضای قبلی است که هنوز شکسته نشده است (بیرون نشده است). اگر یک محدوده عرضه ده‌بار ضربه خورده باشد و خط دیستال (دورترین قیمت از قیمت فعلی) آن محدوده هنوز شکسته نشده باشد، آن محدوده هنوز معتبر است، در آن محدوده هنوز عرضه حاکم است. شما نمی‌توانید و نباید تصور یا پیش بینی کنید که می‌توانید در محدوده‌ای آنقدر بالا با فرض اینکه شکسته‌خواهد شد، خرید کنید. درصورتی که یک محدوده شکسته شده باشد، بازار به شما نشانش خواهد داد. شما بازار نیستید، هیچ کس بازار نیست. وقتی کاملاً شکسته شد، شما به دنبال منطقه‌ی تقاضای خوب و تازه برای خرید خواهید گشت؛ اما تا زمانی که به طور واضح و محکم شکسته نشده باشد، در یک محدوده با عرضه‌ی حاکم خریداری نکنید. مسئله بالابودن احتمالات و شانس است و ما این احتمالات را به نفع خود می‌خواهیم. یک محدوده می‌تواند در برابر یک، دو، سه یا ده پولبک مقاومت کند. فقط زمانی معامله کنید که به طور قطع شکسته شده باشد.

---

[71] Bounce

3. برای احتمالات بالاتر، با روند معامله کنید. روند یک خط مستقیم نیست، سطوح عرضه و تقاضا در هر دو جهت، با هر بازه زمانی موجود، با روند و خلاف روند جواب خواهند داد. اما احتمال بالاتر این است که با روند و تا پایان آن پیش بروید. اما کجا به پایان خواهد رسید؟ نزدیک یا در بازه زمانی بالاترِ منطقه عرضه/تقاضا. از ضررهای الکی که با معامله در برابر روند در وسط محدوده ایجاد می‌شوند، جلوگیری کنید، اگر چنین کنید درصد موفقیت شما بسیار زیاد خواهد شد. مطمئناً بسیاری از معاملات را از دست می‌دهید، اما جلوی بسیاری از ضررها را نیز خواهید گرفت. شما تصمیم می‌گیرید، درواقع، احساسات شما تصمیم می‌گیرند، و این خوب نیست بنابراین مانند یک ربات رفتار کنید.

4. تصمیم بگیرید که آیا می‌خواهید از طریق معامله در خلاف روند بالا/وسط/پایین در محدوده، یک قهرمان باشید یا فقط می‌خواهید از طریق خرید دارایی‌ای که بعد قیمت‌ش کاهش پیدا می‌کند[72] و فروش پولبک‌ها با بازه زمانی بالاتر موجود، روش ایمن را پیش بگیرید.

عرضه و تقاضای حاکم

تقاضای حاکم هفتگی سهام شرکت اپل آمریکا. قیمت به خط پزوگزیمال خود برگشته است و واکنش نشان می‌دهد. تقاضا به محض اینکه قیمت با خط پروگزیمال برخورد بکند، کنترل را به دست می‌گیرد.

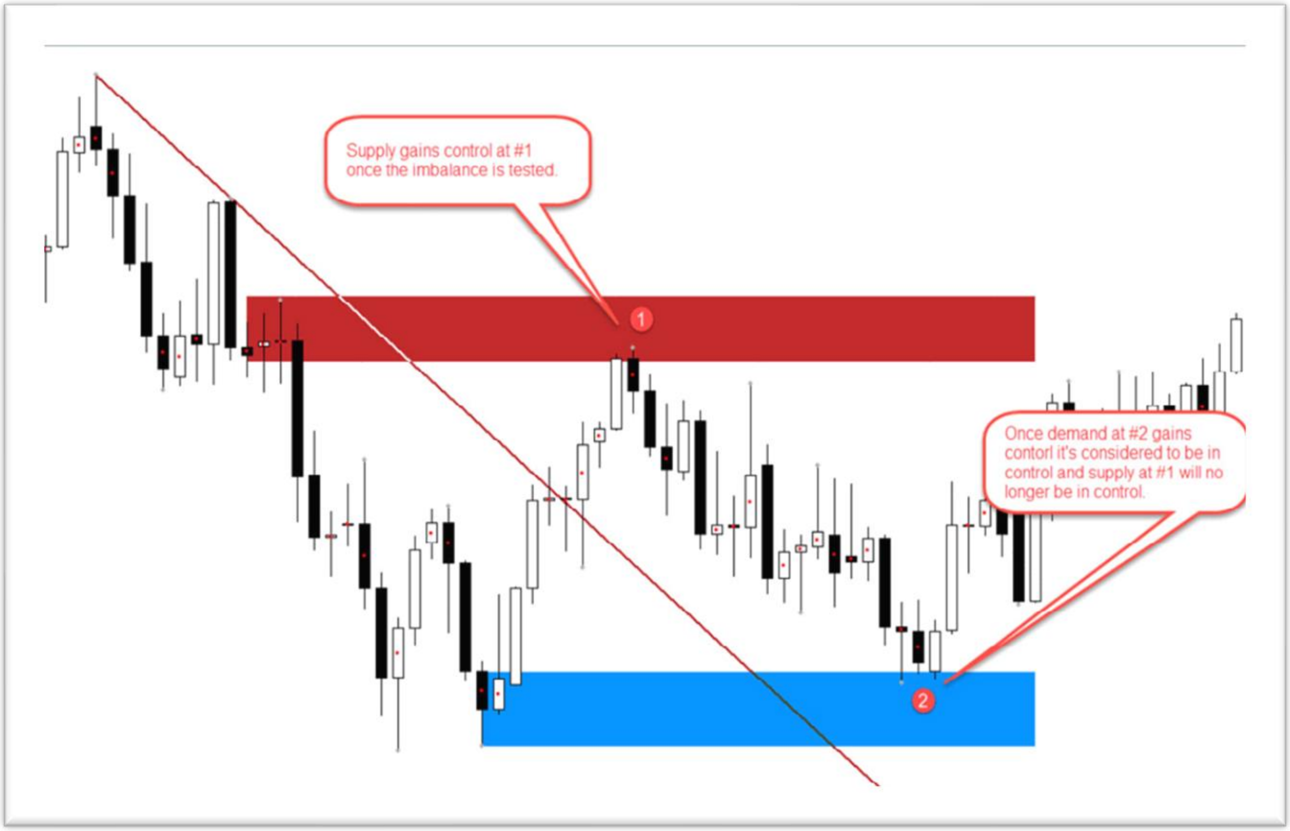
---

[72] Buy the dips اصطلاحی است که توسط معامله‌گران استفاده می‌شود و اشاره به کاهش قیمت یک دارایی در کوتاه‌مدت دارد.



{تقاضای حاکم هفتگی سهام شرکت اپل آمریکا. قیمت به خط پروگزیمال برگشته و واکنش نشان می‌دهد}

تقاضای جدید در نقطه‌ی دو ایجاد شده است؛ بعد از اینکه شکستِ خط روند، کنترل را، به محض اینکه قیمت آن را بازآزمایی کرده، به دست گرفته است. هیچ فروشی مجاز نیست. عرضه در نقطه‌ی یک کنترل را به دست می‌گیرد زمانی که قیمت خط پروگزیمال را بازآزمایی می‌کند.



{عرضه در نقطه‌ی یک کنترل را به دست می‌گیرد زمانی که عدم تعادل آزمایش می‌شود.}

{زمانی که تقاضا در نقطه‌ی دو کنترل را به دست می‌گیرد، حاکم به حساب می‌آید و عرضه در نقطه‌ی یک دیگر حاکم نخواهد بود.}

محدوده

بگذارید چند نمونه از عرضه و تقاضای حاکم را در بازه‌های زمانی بالاتر، آنچه محدوده نامیده می‌شود، به شما نشان دهم.

به یاد داشته باشید، برای شانس بالاتر ما می‌خواهیم در محدوده، [با قیمت] کم خرید کنیم و در محدوده [با قیمت] بالا بفروشیم.

بنابراین این مراحلی است که باید انجام دهید:

1. تصمیم بگیرید که چه معامله‌گری هستید: آیا شما یک معامله‌گر اسکالپر، سویینگ، روزانه، نوسان یا موقعیت هستید؟

2. هنگامی که بدانید شما چه نوع معامله‌گری هستید (به این راحتی‌ها هم نیست زیرا ذهن شما می‌خواهد در تمام بازه‌های زمانی معامله کند، سطوح عرضه و تقاضا را در همه نمودارها مشاهده خواهید کرد، با روند و خلاف روند، معاملات را تعقیب خواهید کرد)، تصمیم بگیرید که بازه زمانی محدوده شما کدام است.

3. از نمودار هفتگی (مخفف: WK) به عنوان محدوده برای معاملات سویینگ خود استفاده کنید. ازنمودار یک روزه نیز می‌توان استفاده کرد.

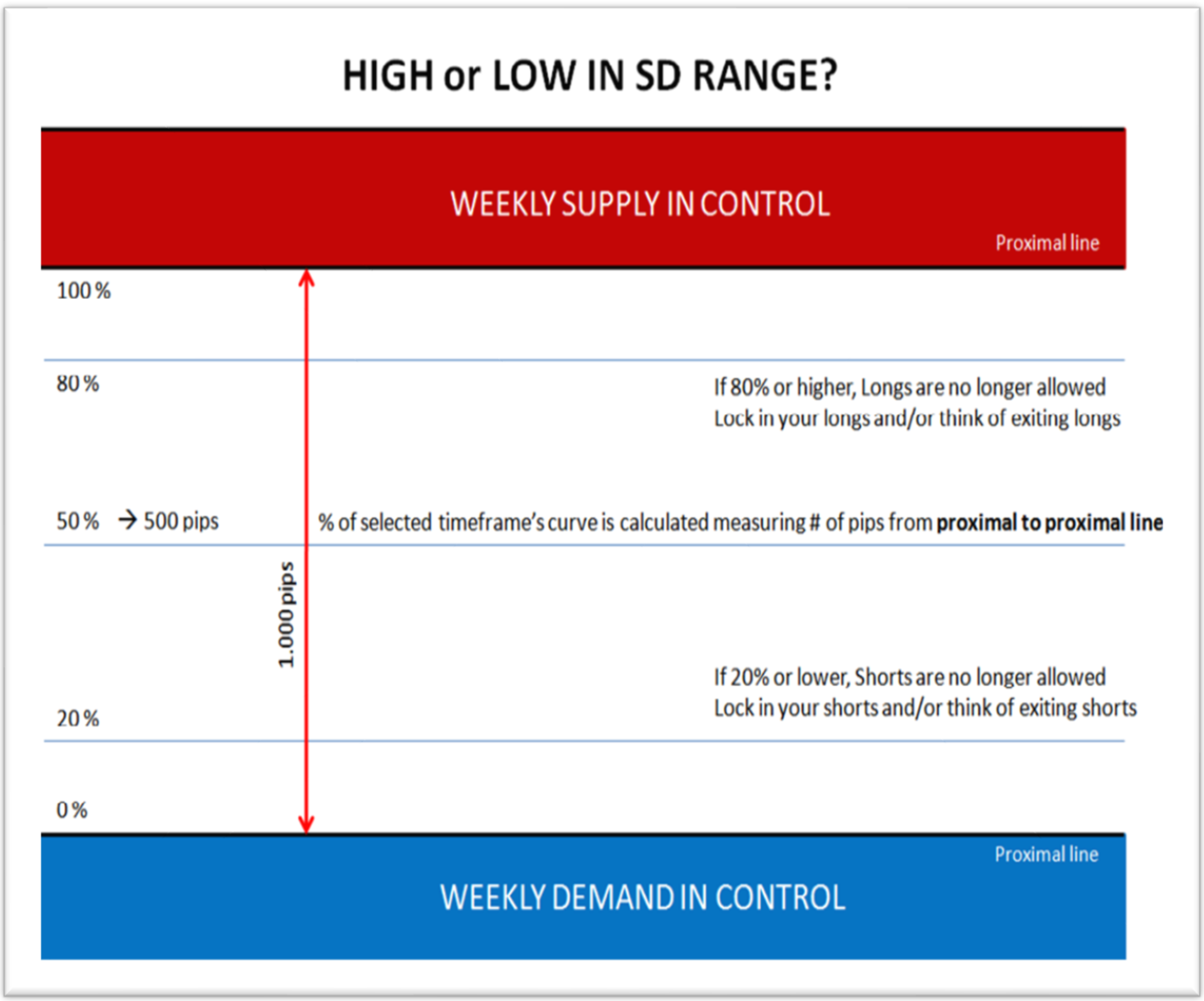
4. از نمودار یک روزه به عنوان محدوده معاملات روزانه خود استفاده کنید.

5. استفاده از بازه‌های کوتاه‌تر احتمالات بیشتری را در مقابل شما قرار می‌دهد، شما می‌توانید از بازه‌ی چهار ساعته یا یک ساعته برای اسکالپینگ استفاده کنید، اما من هرگز چنین کاری نمی‌کنم. اما هر معامله‌گر تصمیم خود را خواهد گرفت؛ هر تصمیمی که می‌گیرید، با معاملات کاغذی روی صدها معامله امتحان‌ش کنید. از بک‌تست استفاده نکنید چون فقط چیزی را که می‌خواهید، خواهید دید.

6. اگر قیمت در بازه زمانی بالاتر (روزانه، هفتگی یا ماهانه) است، اقدام به خرید نکنید. با صبر منتظر یک تنظیم فروش باشید، یا در یک سطح عرضه اصلی و تازه یک/چهار ساعته معامله تنظیم کنید و ازش بگذرید (فراموشش کنید) و یا منتظر بمانید تا سطح جدیدی از عرضه شکل بگیرد و پولبک را بفروشید. خلافِ تقاضای بازه زمانی بالاتر.

برای محدوده قوانینی وجود دارد. اندیکاتور Rectangle reader[73] به شما کمک خواهد کرد تا کم یا زیاد بودن قیمت در محدوده را ارزیابی کنید. در یک بازار پرطرفدار، توقف‌های دره/اوج/الگوی ادامه‌دهنده دورتر از محدوده‌ها خواهند بود. منطقه مخالف باید یک قله/دره باشد، از آن‌جایی که الگوهای ادامه‌دهنده اگر خلاف روند پیش بروند، به عنوان جزءی از محدوده مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.

بالا یا پایین محدوده؟ چه باید کرد؟



[73] Rectangle reader

{اگر هشتاد درصد یا بالاتر است، خرید دیگر جایز نیست، خریدهای خود را ببندید و/یا به فکر خروج از خریدها باشید.

درصد منحنی‌های انتخابی به وسیله‌ی اندازه‌گیری تعداد پیپ‌ها در خط پروگزیمال محاسبه می‌شود.

اگر بیست درصد یا پایین‌تر است، فروش دیگر جایز نیست، فروش‌های خود را ببندید و/یا به فکر خروج از خریدها باشید}

بخر و بگذر در مقابل معاملات تایید

روش معاملات بخر و بگذر همانطور که از اسمش پیداست ساده است، به این صورت است که شما فقط معامله را تنظیم کرده و سپس برای مدتی آن را فراموش می‌کنید. این روش معامله دارای دو فایده عمده است:

1. حذف احساسات از معادله آن را بسیار آسان‌تر می‌کند. احساسات بدترین دشمن شما هنگام معامله کردن هستند.

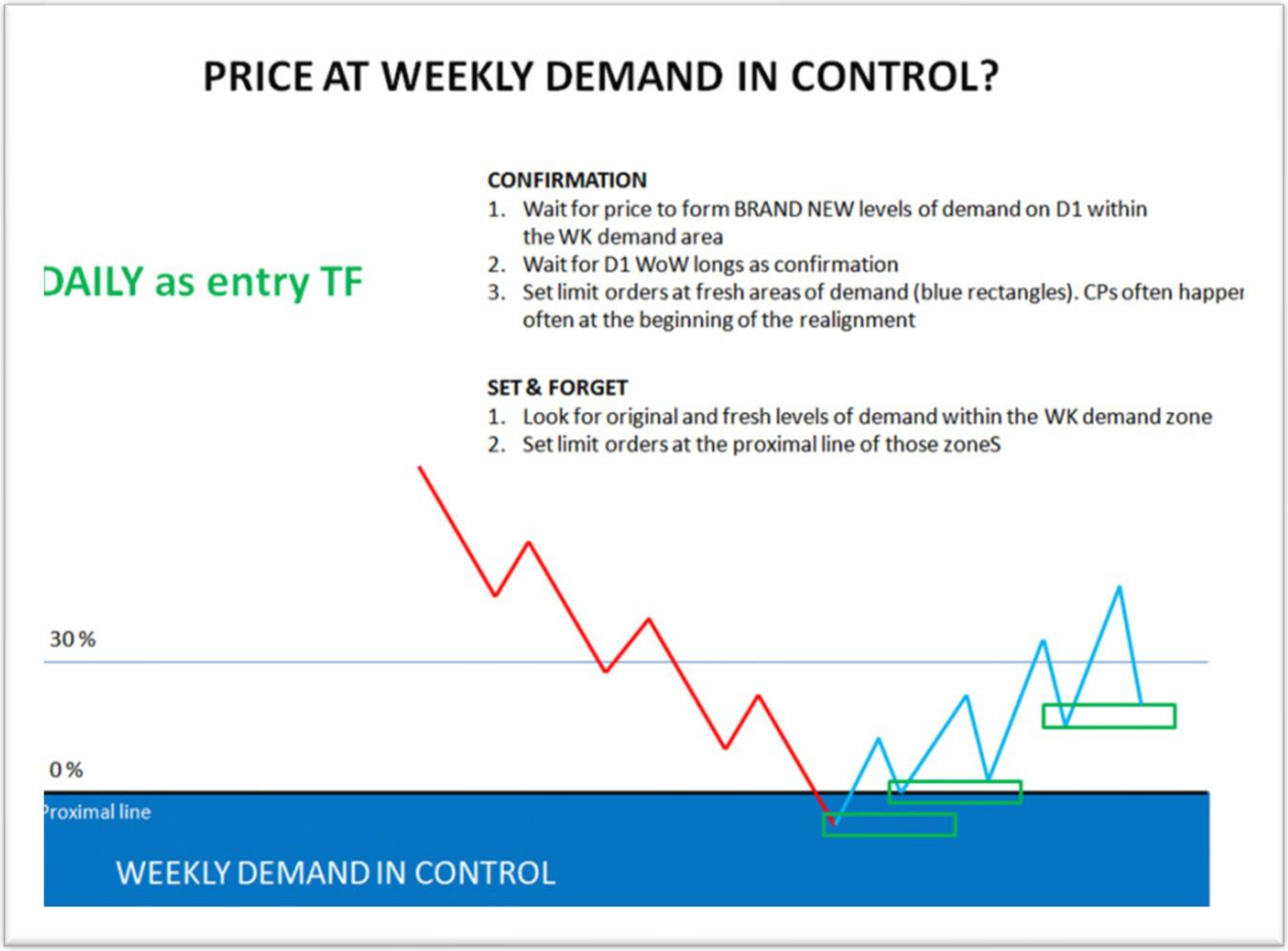
2. همچنین به شما امکان می‌دهد به شکل معمول از زندگی‌تان لذت ببرید، زیرا ساعت‌های زیادی را صرف خیره شدن به کامپیوتر خود برای تجزیه و تحلیل افراطی بازارها نخواهید کرد.

متاسفانه، معامله گران با حجم عظیمی از داده‌های موجود در اینترنت و تلویزیون گم می‌شوند. در هنگام تلاش برای معامله در فارکس یا هر بازار مالی دیگر، تجربه کردن فلج تحلیل بسیار آسان است. تلاش برای درک همه‌ی این اطلاعات و ایجاد یک برنامه معاملاتی فارکس بر اساس این مقدار اطلاعات، می‌تواند سخت باشد.

هنگامی که مقدار مشخصی تجزیه و تحلیل روی هر ابزاری انجام دادید، سپری کردن هر مقدار زمان دیگر برای تجزیه و تحلیل بیشتر این داده‌ها، تأثیر منفی بر معاملات شما خواهد داشت، نتیجه معمولاً یکسان است، این باعث ضرر شما می‌شود.

باورِ «هرچی بیشتر بهتر»، یک تله روانشناختی است که ما را از مدام سود کردن در بازار فارکس بازمی‌دارد، و این دلیلی است که بسیاری حساب‌های معاملاتی خود را برباد می‌دهند و در نهایت همه‌چیز را رها می‌کنند. من

این مراحل را طی کرده‌ام و معتقدم که همه معامله‌گران باید آنها را بگذرانند، این بخشی از تکامل شما به عنوان یک معامله‌گر است.



{قیمت تقاضای هفتگی کنترل را در دست گرفته است؟

تاییدیه

1. صبر کنید تا قیمت، سطوح کاملاً جدید تقاضا را در منطقه تقاضای روزانه یا هفتگی ایجاد کند.
2. منتظر خریدهای روزانه‌ی هفته به هفته به عنوان تایید باشید.
3. سفارشات محدود را در مناطق تازه تقاضا (مستطیل‌های آبی) تنظیم کنید. الگوهای ادامه‌دهنده اغلب در ابتدای تنظیمات مجدد اتفاق می‌افتند.

بخر و بگذر

1. به دنبال سطوح تازه و اصلی تقاضا در محدوده‌ی تقاضای هفتگی بگردید.
2. سفارش محدود را در خط پروگزیمال آن محدوده‌ها تنظیم کنید.}

هرچی کمتر، بهتر: تنظیم کن و بگذر

اگر ما اینطور برنامه‌ریزی شده‌ایم تا کارها را پیچیده‌تر از آنچه هستند بکنیم، چگونه می‌توانیم به سودآوری مداوم در معاملات فارکس یا سهام دست پیدا کنیم؟ اولین قدم در روند پذیرش این واقعیت است که شما نمی توانید بازارها را کنترل کنید، نیازی نیست که نفس‌تان را راضی نگه دارید. بازارها کاری ندارند که شما قبلاً در زندگی خود چه کاری انجام داده‌اید. بازار احساسی ندارد و موجودی زنده نیست. بازار فارکس عرصه‌ای است که بشر باورهای خود را در مورد نرخ تبادل یک جفت‌ارز خاص ابراز می کند.

افرادی که تجزیه و تحلیل خود را بیش از حد پیچیده می کنند، قابلیت پیش‌بینی برای سود افراد حرفه‌ای فراهم می‌کنند، پول از افرادی که نمی‌دانند چه کاری انجام می‌دهند به کسانی که می‌دانند چه کاری انجام می‌دهند (حرفه‌ای‌ها) سرازیر می‌شود.

یک واقعیت طنز در مورد معاملات فارکس این است که صَرف زمان کمتر برای تجزیه و تحلیل بازارها و تلاش برای یافتن معامله بی‌نقص در واقع باعث می‌شود که سریعتر پول به دست آورید؛ زیرا آرامش خواهید داشت، کمتر احساساتی خواهید بود و بنابراین احتمال کمتری هست که بیش از حد معامله کنید یا در حساب معاملاتی‌تان بدهی بالا بیاورید. به همین دلیل معاملات نوسان با استفاده از یک بازه زمانی متوسط مانند نمودار چهارساعته به شما کمک می‌کند نتایج خود را بهبود بخشید و از زندگی خود لذت بیشتری ببرید.

چه موقع تنظیم و گذر کنیم؟

-هنگامی که بازار با معاملات فعال است فقط از سطوح تازه عرضه و تقاضا استفاده کنید. اولین پولبک ایمن‌ترین است و بالاترین شانس برای نتیجه دادن را دارد.

-اگر می‌خواهید بر خلاف روند حرکت کنید از سطوح اصلی **و** تازه استفاده کنید. اطمینان حاصل کنید که تجارت شما از مکان مناسبی برخوردار است. مکان مهم است، یعنی معامله شما باید در محدوده برای فروش، بسیار بالا و در محدوده برای خرید در سطح بسیار پایین باشد.

-مکان مهم است. دانستن اینکه محدوده بازه زمانی شما چقدر بالا یا پایین است، از اهمیت بالایی برخوردار است تا به شما اجازه دهد که معامله را تنظیم کنید یا برای نشانه‌هایی از خریداران یا فروشندگان مشتاق به ورود بر اساس تایید، صبر کنید.

چه زمانی با معامله تایید به جای تنظیم و بگذر برنامه تنظیم کنیم؟

در واقع چیزی به اسم معامله تایید واقعاً وجود ندارد. به هیچ وجه نمی‌توانید صد در صد اطمینان یا تاییدیه داشته باشید که معامله شما به خوبی پیش خواهد رفت، معامله تأیید فقط شانس بیشتری در اختیارتان می‌گذارد، همین. معاملات همه‌ش مربوط به آمار است، شما فقط باید بازی اعداد را انجام دهید.

شاید شما با تنظیم و فراموش کردن معاملات خود راحت نباشید یا هنوز اطمینان لازم برای انجام این کار را کسب نکرده‌اید. نگران نباشید، انتظار برای تأیید قبل از اینکه معامله خود را انجام دهید خوب است، این فقط یک روش دیگر برای معامله با عدم تعادل‌های عرضه و تقاضا است. شما فقط باید سبک خود را پیدا کنید و اگر برای شما مناسب بود به آن پایبند باشید، این رمز موفقیت درهرکاری در زندگی است، نه فقط معامله در بازارهای فارکس.

معامله تایید چیست؟

اگر نسبت به ورود خود اطمینان داریم یا اطمینان کافی نسبت به روش تنظیم و گذر معاملات خود را نداریم، می‌توانیم منتظر بمانیم تا الگوهای خاصی در سطح ورود ما اتفاق بیفتند.

-اگر می‌خواهید در منطقه عرضه یک روزه اقدام به فروش کنید برای یک سطح کاملاً جدید عرضه صبر کنید. (اگر منطقه استفاده نشده است، قسمت پایین را درباره‌ی اینکه چه زمانی از آنها استفاده نکنید بخوانید.)

-اگر می‌خواهید در منطقه تقاضای روزانه اقدام به خرید کنید برای یک سطح کاملاً جدید عرضه صبر کنید.

- سطوح کاملاً جدید در بازه زمانی ورود شما نشانه این امر خواهند بود که در منطقه تقاضا یا عرضه‌ی آماده وجود دارند.

چه موقع منتظر تأیید باشید

-در بازه‌های زمانی بالاتر مناطق عرضه و تقاضا. اگر منتظر هستید تا در منطقه عرضه روزانه اقدام به فروش کنید، باید منتظر بمانید تا خط پروگزیمال روزانه ضربه بخورد، قبل از آماده شدن محدوده اقدام به فروش نکنید. خیلی زود وارد می‌شوید، صبور باشید. اگر به عرضه روزانه نرسید و قیمت شروع به کاهش کرد، منتظر بمانید تا تقاضای قبلی در بازه زمانی ورود شما حذف شود.

-در الگوهای ادامه‌دهنده (CP) واقع شده در نزدیکی یا در یک محدوده‌ی زمانی بالاتر منطقه‌ی عرضه و تقاضا. از آنجا که روش تنظیم و گذر دربرابر الگوی ادامه‌دهنده شانس بالاتری در مقابل خلاف روند ندارد، باید منتظر شکل گیری سطوح کاملاً جدیدی از الگوی ادامه‌دهنده در یک بازه زمانی بالاتر در مناطق عرضه و تقاضا باشیم.

-هنگامی که مناطق زمانی بالاتر قبلاً بازآزمایی شده باشد. اگر محدوده عرضه روزانه بازآزمایی شده باشد، فقط منتظر شکل گیری منطقه کاملاً جدیدی از عرضه کالا در بازه زمانی ورودتان نباشید، بلکه منتظر باشید بازه زمانی خلافِ ورود قبلی برای تقاضا تحلیل شود. شما نمی‌خواهید یک منطقه عرضه‌ی بازآزمایی شده روزانه را بدون تأیید معامله کنید. می‌توانید این کار را انجام دهید اما شانس بالاتری ندارد، به یاد داشته باشید که اولین بازآزمایی همیشه شانس بیشتری برای جواب دادن دارد.

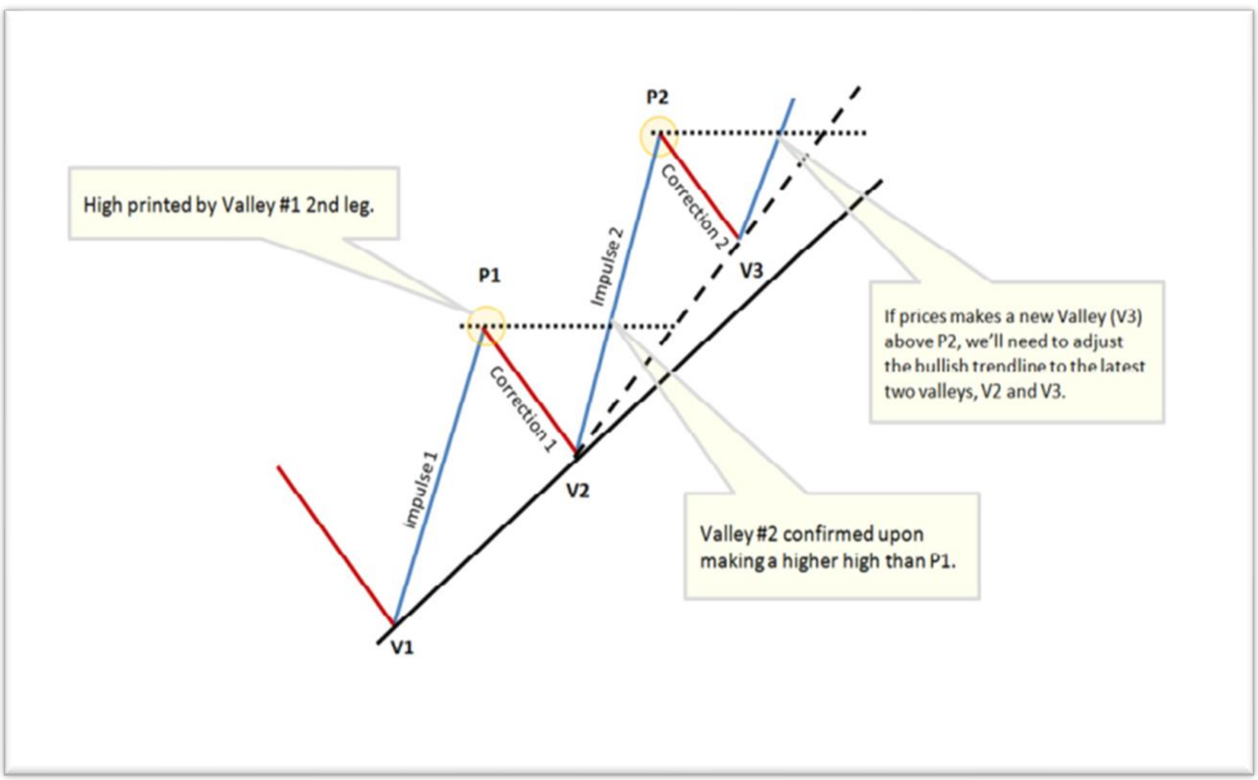
استفاده از خط روند به عنوان جهت به همراه فیلتر کردن سطوح به شیوه‌ی خودکار

-خطوط روند برای ارزیابی جهت، در بازه زمانی ورود ما، یعنی بازه زمانی که سفارشات شما در آن قرار می‌گیرند، ترسیم می‌شوند.

-برای ترسیم خط روند نیاز به دو دره مشخص (روند صعودی) یا قله‌ها (روند نزولی) است.

-دره دوم قبل از اینکه به عنوان یک دره خوب تأیید شود باید به سطح بیشتری از ستون دومِ دره اولی (بالاترین مقدار ایجاد شده‌ی دره‌ی قبلی) برسد.

-برای ترسیم یک خط روند از دو دره و قله مشخص اخیر استفاده کنید. اگر یک قله/دره سوم بارز وجود داشته باشد که با دو قله/دره قبلی مطابقت داشته باشد، ما خط روند (TL) را تا ان ادامه می‌دهیم.



مدیریت معاملات، سربه‌سر شدن [قیمت] و تاکتیک‌های خروج

تنظیم یک معامله از پنج مرحله تشکیل شده است:

برنامه‌ریزی قبلی

-اگر از قبل برنامه‌ریزی نشده است، معامله‌ای انجام ندهید.

-بازار را تجزیه و تحلیل کنید و تصمیم بگیرید که آیا طبق قوانین معامله‌ای معتبر، محل خلافِ بازه زمانی بالاترِ (HTF) منطقه عرضه و تقاضا (SD) دارید یا نه، یعنی دنبال کردن برنامه معامله خود.

-سفارش محدود خود را تنظیم کنید و منتظر بمانید تا تنظیم شروع شود.

اجرای معامله

-معامله توسط کارگزار شما انجام می‌شود. اکنون شما وارد معامله شده‌اید.

-در این مرحله احساسات خود را کنترل کنید. شما درصدی از سهام خود را به خطر انداختید، این بازی با اعداد است.

-اگر قوانین همچنان اعمال می شوند، به آن دست نزنید.

-از نمودارها فاصله بگیرید.

حد ضرر را به نقطه سربه‌سر رساندن

چه زمانی حد ضرر خود را به نقطه سربه‌سر منتقل کنید تا از معامله‌تان محافظت کنید

سود و اهداف را در نظر بگیرید.

-اهداف شما کدامند؟ شما یک یا بیشتر از یک هدف دارید؟

-آیا در یک منطقه‌ی خلاف (SD) خارج خواهید شد؟

-آیا تا زمانی که قیمت به یک بازه زمانی بالاتر در محدوده (SD) برسد، حد ضرر خود را بالا/پایین محدوده‌های جدید (SD) دنبال می‌کنید؟

ما در حال حاضر سه مرحله اول را پوشش داده‌ایم، اکنون زمان آن فرا رسیده است که دو جنبه مهم از هر تنظیم معاملاتی را پوشش دهیم.

چه زمانی حد ضرر را به نقطه سربه‌سر[۷۴] برسانیم؟ + تفاوت قیمت‌ها[۷۵]

به عنوان یک قاعده کلی، ما باید حد ضرر خود را به نقطه سربه‌سر منتقل کنیم وقتی که معامله ما حداقل با نسبت ریسک به ریوارد دو به یک[۷۶] از نقطه ورود ما حرکت کند.

مثلاً:

-ورود معامله خرید در 1.1000 تریگر شده است، حد ضرر ما 25 پیپ زیر 1.0075 تنظیم شده است، پس از آنکه قیمت 50 پیپ (2 RR) در جهت ما حرکت کند، ما حد ضرر خود را به نقطه سربه‌سر (BE) وارد خواهیم کرد.

-ورود فروش در 1.5500 تریگر شده، حد ضرر ما 35 پیپ بالاتر از 1.5535 تنظیم شده است، پس از آنکه قیمت 70 پیپ (2 RR) در جهت ما حرکت کند، حد ضرر خود را به نقطه سربه‌سر وارد می‌کنیم.

قوانینی برای رساندن حد ضرر به نقطه سربه‌سر

حد ضرر خود را به نقطه سربه‌سر ببرید به همراه تفاوت قیمت و کارمزدها[۷۷]

گزینه‌های دیگر:

---

74 BreakEven

75 تفاوت بین دو قیمت (به انگلیسی Spread): در امور مالی و اقتصاد ممکن است چندین معنای مختلف داشته باشد. با این حال، اساسا به معنی تفاوت بین دو قیمت، دو نرخ یا دو بازده است.

76 2:1 R/R (Risk/Riward)

77 Commissions

-حد ضرر را به نقطه سربه‌سر به همراه تفاوت قیمت و کارمزدها بعد از نسبت ریسک به ریوارد سه به یک[78] حرکت دهید تا قیمت کمی نفس بکشد. شما به سطح خود اعتماد دارید و نمی‌خواهید ورودی‌تان بازآزمایی شود و از یک معامله سود ده بیرون انداخته شوید.

-حد ضرر خود را به نقطه‌سربه‌سر نرسانید، معامله شما یا سود می‌کند یا ضرر، شما به قیمت کاری ندارید، می‌خواهید قبل از اینکه به حد ضرر خود برسید، معامله‌تان را از قیمت ورودی‌تان دور کنید.

مزایا و معایب انتقال حد ضررتان به نقطه سربه‌سر با نسبت ریسک به ریوارد 2:1

مزایا

-معامله شما امن است، احساس رضایت می‌کنید و نفس راحتی می‌کشید.

-ترس شما از از دست دادن، تحت‌کنترل است.

-شما می‌توانید روی تنظیمات دیگر تمرکز کنید و این مورد را فراموش کنید زیرا اکنون امن است؛ و نمی‌توانید ضرر کنید (استثنا: شکاف‌های قیمتی یک‌شنبه و اخبار مهم به حد ضرر شما توجهی ندارند)

معایب

-قیمت قبل از اینکه سرانجام از سطح ورود شما خارج شود، می‌تواند ورودی شما را بازآزمایی کند؛ این اتفاق **اغلب** می‌افتد.

-اگر ببینید که قیمت در اولین بازآزمایی، شما را از یک معامله معتبر خارج کرده و معامله شما بدون اینکه کنترل‌ش کنید بسیار خوب انجام شده است،

-اگر اجازه ندهید قیمت به اندازه کافی برای انباشته‌شدن/توزیع شدن استراحت کند، معاملات بسیار خوبی را از دست می‌دهید.

---

78 3:1 R/R

چه کاری می‌توانید انجام دهید تا نگذارید قیمت با یک بازآزمایی شما را از معامله بیرون بیندازد؟

از دیدن ورودی‌های خود که بازآمایی شده‌اند خسته شده‌اید و سپس می‌بینید که سطح شما بدون کنترل[79] شما به خوبی کار می‌کند؟ ما باید اجازه دهیم قیمت‌ها نفس بکشند و سفارشات توسط سازندگان بازارها و نهادهای بزرگ پر شوند. برخی از گزینه‌ها برای جلوگیری از وقوع آن وجود دارد:

1.حد ضرر خود را به نقطه سربه‌سر حرکت دهید + تفاوت قیمت‌ها/کارمزدها بعد از نسبت ریسک به ریوارد سه به یک یا چهار به یک[80] تا بدین صورت قیمت‌ها کمی بیشتر نفس بکشد.

2.بعد از اینکه حداقل نسبت ریسک به ریواردتان حاصل شده است حد ضرر را به نقطه سربه‌سر حرکت ندهید.

حد ضرر را همان جا که بود بگذارید، بالا/پایین خط دیستال سطح‌تان، و بگذارید معامله استراحت کند و خارج بشود.

3.نیمی از پوزیشن خود را در نسبت ریسک به ریوارد دو به یک، یا حتی سه به یک متوقف کنید (ببندید) و حد ضرر خود را رها بگذارید.

با این کار معامله شما ایمن است، نمی‌توانید ضرر کنید، ترس تحت کنترل است و احساس آرامش بیشتری خواهید کرد.

اگر نیمی از پوزیشن خود را در نسبت ریسک به ریوارد دو به یک (یا حتی سه به یک) ببندید، نیمی از موقعیت خود را قربانی خواهید کرد اما در مقابل هوای نفس‌تان خواهید ایستاد، معامله اکنون ایمن است، نمی‌توانید ضرر کنید.

حد ضرر خود را به صورت دستی، همانطور که پایین توضیح داده شده مدیریت کنید.

---

[79] Riding
[80] 3:1 or 4:1 R/R

اهداف: چطور حد ضرر خود را کنترل کنید وقتی که معامله در حال اجرا است.

هنگامی که معامله شما در حال اجرا است، چندین روش برای مدیریت حد ضررتان وجود دارد. مدیریت حد ضرر برای سودآوری مهم است، شما باید قوانینی داشته باشید تا از بستن زود هنگام معامله خود جلوگیری کنید.

اول از همه، شما باید اهداف خود را مشخص کنید. یک هدف می‌تواند ثابت یا پویا باشد. هدف ثابت (خروج) قیمت مشخصی است که در آن از معامله خود خارج خواهید شد. این قیمت بسته به نوع خروجی انتخابی شما، متفاوت است. شما باید پیش از مرحله‌ی «برنامه‌ریزی قبلی» معامله‌ی خود، تصمیم گیری کنید.

نوع خروجی‌های ثابت: واقع بین باشید!

-اهداف یک، دو، سه یا بیشتر می‌توانند در مناطق مخالف SD باشند.

شما بازه زمانی ورودی خود را آنالیز می‌کنید و مناطق مخالف SD خوبی را که می‌خواهید اهداف خود را در آن‌ها پیاده کنید، تعیین می‌کنید. همیشه [هدف خود را] مقدار کمی پیپ قبل از محدوده [تعیین کنید]، هیچ‌وقت در محدوده نه.

-در مقدار درصد معینی خارج شوید.

یک قیمت را بر اساس مقدار درصدی که می‌خواهید به دست آورید، تعیین کنید.

-با مقدار نسبت ریسک به ریوار معینی خارج شوید.

نسبت ریسک به ریواردی را تعیین کنید که در آن می‌خواهید از معامله خود خارج شوید، حداقل سه به یک. می‌توانید آن را روی چهار به یک یا پنج به یک تنظیم کنید. مهم نیست که کدام محدوده‌ها را در بالا/پایین ورودی خود دارید.

واقع بین باشید، اگر یک منطقه‌ی عرضه یک روزه‌ی تازه، درست در نسبت سه به یک دور از ورود معامله خرید عرضه شما وجود دارد، نسبت پنج به یک تنظیم نکنید.

انواع خروجی‌های پویا:

توقف فنی

-پس از ورود، حد ضرر اولیه خود را در پایین نزدیک‌ترین تقاضا قرار دهید.

-بعد از اینکه سطح بالاتر جدیدی روی نمودارها نمایان شد، حد ضرر خود را پایین بیشترین افت ببرید.

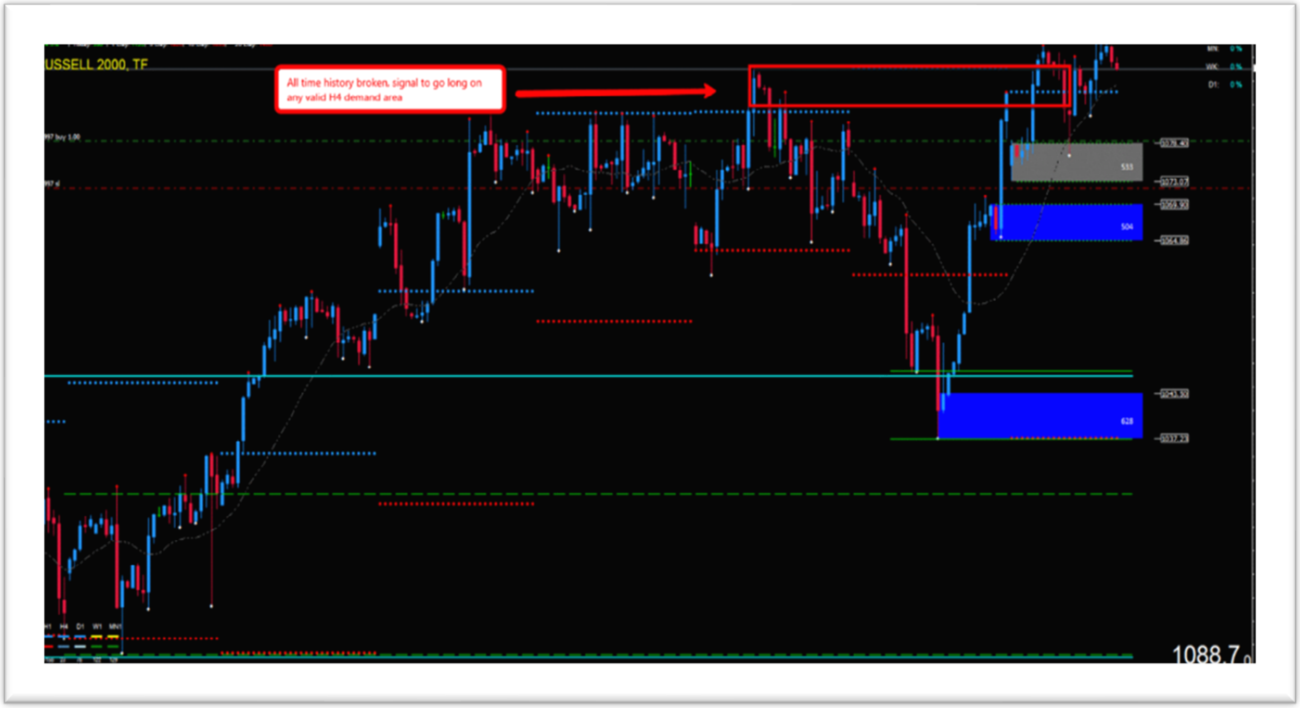
این همان خروجی‌ای است که من معمولاً از آن استفاده می‌کنم. به سختی یاد گرفتم‌ش.

خطوط روند

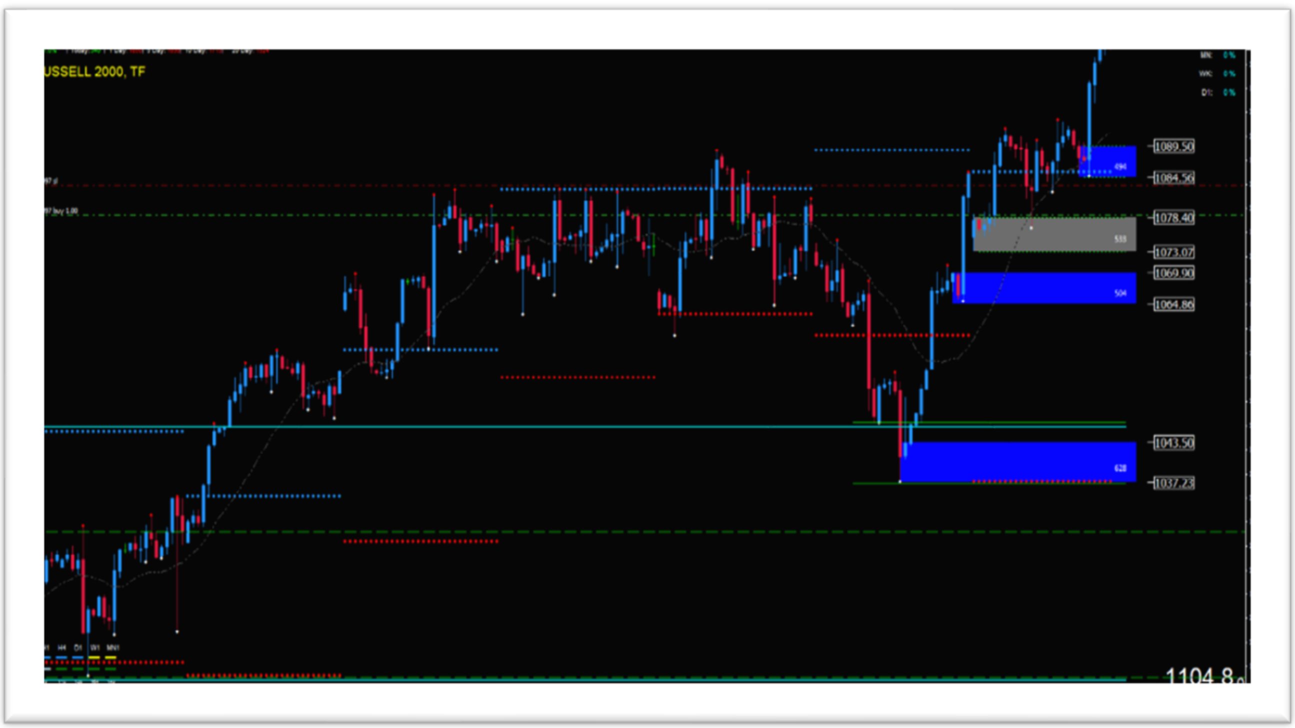
-از آنجا که ما برای ارزیابی روند خود از خطوط روند استفاده می‌کنیم، در صورت شکسته شدن کامل آنها در جهت مخالف، استفاده از آنها برای خروج از معاملات ما نیز منطقی است.

-اجازه دهید قیمت استراحت کند و از قوانین خط روند برای انتقال حد ضرر خود استفاده کنید، اگر در حال خرید هستید حد ضرر خود را پایین خط روند ببرید، زمانی که کندل OHCL کامل در زیر خط روندِ در حال صعود وجود دارد از معامله خارج شوید.

موارد دیگری نیز وجود دارد، این موارد مانند میانگین متحرک معامله و غیره هستند، اما من از آنها استفاده نخواهم کرد.



{همه‌ی تاریخچه‌های زمان شکسته شده، سیگنال برای اقدام به خرید در هر منطقه تقاضای معتبر چهارساعته}



با خواندن هزاران تحلیل و تجزیه‌ی قبل از اقدام در وبلاگ من بیشتر یاد بگیرید.

من معمولاً هر روز وبلاگ معامله خودم را با ایده‌های ساده‌ی جدید معاملات به روز می‌کنم. این تفسیرهای معاملاتی سناریوهای قبل از وقوع هستند که بسیار قبل‌تر از اینکه معامله صورت بگیرد پست می‌شوند، نه بعد از انجام آن.

برای پیدا کردن پست‌های وبلاگ من در لپ‌تاپ خود می‌توانید از هر نرم افزار RSS استفاده کنید. با این کار به محض پست شدن جدیدترین تجزیه و تحلیل‌های معاملات، به آنها دسترسی خواهید داشت.

این روش عرضه و تقاضا را می‌توان در هر بازار و بازه زمانی‌ای به کار برد، به همین دلیل شما تجزیه و تحلیل معاملات برای همه بازارها را پیدا خواهید کرد.

با دنبال کردن پیوندهای زیر طرح‌های معاملاتی برای بازارهای زیر را بررسی کنید:

طرح‌های معاملات فارکس، سهام، شاخص‌ها، کالاها، فلزات و انرژی

برای نظر دادن در مورد هر یک از پست‌ها راحت باشید، ، من هیچ نظری را بی پاسخ نمی‌گذارم.

آپشن‌های زیادی دارید؟ نگران نباشید، یک راه وجود دارد

حدس می‌زنم که اکنون سرتان با این همه قانون مختلف خروج شلوغ‌پلوغ شده است. شما باید بر اساس سبک معامله‌گری که هستید تصمیم بگیرید. اگر نمی‌توانید تصمیم بگیرید یا مطمئن نیستید، بگذارید نکاتی را به شما بگویم.

استراتژ های خروجی که انتخاب کرده‌اید مستقیماً مربوط به محل قرارگیری شما در محدوده زمانی بالاتر خواهد بود. اگر در سمت راست در نمودار عرضه هفتگی تازه هستید، حد ضرر خود را به نقطه‌ی سربه‌سر با نسبت دو به

یک منتقل نکنید. بیخیال! واقع بین باشید! بگذارید قیمت نفس بکشد! اگر این کار را نکنید، احتمالاً یه چندتایی نقطه‌ی سربه‌سر خواهید داشت و احتمال زیادی وجود داره که از رانر[۸۱]های بزرگ عقب بیفتید.

اینها استراتژی‌های خروجی هستند که من استفاده می‌کنم.ممکن است در تصمیم‌گیری به کارتان بیایید. می‌توایند از استراتژی‌های من استفاده کنید، شما نیاز دارید که به ذهن‌تان نظم ببخشید.

تنظیمات مومنتوم معامله با محل[۸۲] محدوده‌ی بازه زمانی ساعتی SD

-بیست و پنج درصد یا نصف پوزیشن خود را در نسبت ریوارد دو به یک یا سه به یک ببندید و حد ضرر خود را چند پیپ دورتر از خط دیستال محدوده‌ی من رها کنید.

-با این کار معامله شما امن است، نمی‌توانید ضرر کنید، ترس تحت‌کنترل است و نفس‌تان نمی‌تواند شما را بیازارد.

-شما بخشی از موقعیت خود را قربانی خواهید کرد اما بر هوای نفس‌تان غلبه خواهید کرد، معامله در حال حاضر ایمن است، نمی‌توانید اجازه دهید که هزاران پیپ را کنترل کند اگر البته محلی برای آن وجود داشته باشد، اما ترس از ضرر کردن دیگر در معامله وجود ندارد.

حد ضررهای خود را به طور دستی با استفاده از توقف‌های فنی مدیریت کنید.

مکان و مومنتوم + مکان معامله با محل محدوده بازه زمانی ساعتی SD

نصف پوزیشن خود را در نسبت ریوارد به ریسک سه به یک یا چهار به یک ببندید و حد ضرر خود را رها بگذارید.

---

[81] احتمالاً اشاره به رانر دستیار کارگزار دارد که نهایتاً هم یا معامله‌گر و یا کاگزار می‌شوند.

-نوع مکان معامله می‌تواند نقطه‌ی عطفی در بازارها باشد، نه به این معنی که اگر یک عرضه هفتگی تازه با یک روند نزولی ماهانه باشد، آن معامله می‌تواند یک رانر باشد، با حد ضرر خود کاری نکنید و آن را رها بگذارید.

-یک مکان + تنظیمات مومنتوم می‌تواند تبدیل به یک موشک بشود، با موشک‌ها بازی نکنید، پشیمان می‌شوید.

-منتظر یک حرکت خوب از سطح خود برای محدوده‌های کاملاً جدید عرضه و تقاضا به منظور حرکت حد ضرر خود چند پیپ بالا/پایین محدوده‌های خطوط دیستال باشید.

-حد ضرر خود را به طور دستی، با استفاده از توقف‌های فنی مدیریت کنید.

چه زمانی معامله کنیم و چه زمانی معامله نکنیم؟ اخبار و بازارهای کند

همچنین خوب است بدانید که چه زمانی باید و چه زمانی نباید معامله کنید. مواقعی وجود دارد که نباید معامله کنیم زیرا این امر می تواند ضررهای الکی به همراه داشته باشد. بازرگانانی هستند که عاشق مبادله اخباراند، شما می‌توانید پول زیادی بدست آورید اما همچنین می‌توانید ضرر زیادی کنید. من فقط ترجیح می‌دهم از اتفاقات مهم خبری دور باشم و روزم را تعطیل کنم.

اگر با بازه های زمانی بزرگتر، روزانه و بالاتر معامله کنید، اخبار به دردنخور است.

اخبار

از رویدادهای مهم خبری مانند نرخ بهره بانکی مرکزی، CPI، NFP [83] و سخنرانی‌های/مذاکرات BCE/ FOMC دوری کنید.

وقتی خبرهای بزرگی مانند NFP یا سخنرانی BCE/FOMC وجود دارد، روز خود را تعطیل کنید، ما نمی خواهیم قمار کنیم، ما می خواهیم معامله کنیم. قیمت می‌تواند هرجایی باشد.

---

[83] گزارش Pyroll Farm-Non یا اشتغال غیر کشاورزی را شاید بتوان یکی از قدرتمندترین گزارش های اقتصادی دنیا دانست که تاثیر کوتاه مدت و بلند مدت زیادی بر بازارهای مختلف میگذارد. این گزارش از کشور آمریکا بزرگترین اقتصاد دنیا منتشر می‌شود.

اطلاعیه‌های سود سهام. اگر در حال حاضر در یک معامله در نقطه سربه‌سر هستیم، تصمیم خواهیم گرفت که بسته به آنچه تحلیل تکنیکال SD به ما می‌گوید، آن را حفظ کنیم یا آن را ببندیم. ما ممکن است تصمیم بگیریم که مقداری سود را قفل کنیم، حد ضرر را بالا/پایین محدوده‌ی SD معتبر قبلی ببریم و ببینیم بعد از احبار چه اتفاقی خواهد افتاد.

چند ساعت قبل، بعد یا در هنگام انتشار وقایع مهم خبری، مقیاس‌بندی نکنید یا موقعیت‌های جدید اضافه نکنید، منتظر بمانید تا قیمت روند قبلی را از سر بگیرد یا آن را بشکند، پیش‌بینی نکنید یا فکر نکنید که چه اتفاقی خواهد افتاد، زیرا نمی‌دانید چه اتفاقی قرار است بیفتد. این قانون شماره یک در معاملات است: ما نمی‌دانیم چه اتفاقی قرار است بیفتد.

بازارهای کند

از سطوح یک ساعته‌ی SD که در موقعیت کند بازارها شکل می‌گیرد دوری کنید، به طور معمول پس از بسته شدن بازار اصلی یا در طول دوره آسیا[۸۴]، مگر اینکه این جفت‌ارز از دو ارز آسیایی، به عنوان مثال AUDJPYدلار استرالیا و ین ژاپن تشکیل شده باشد. صبور باشید و منتظر نوسان و سطح SD جدیدی باشید که در بازارهای سریع مانند دوره‌ی لندن و نیویورک شکل گرفته است.

صبح دوشنبه معمولاً بسیار کند است و هیچ رویداد خبری وجود ندارد. پس از دوره‌ی روز دوشنبه نیویورک، برخی اوقات بازارها کمی حرکت می‌کنند. در این زمان‌ها فقط در سطوح معینی معامله کنید.

باز شدن اواخر جمعه و یکشنبه

دوره‌های جمعه نیویورک به طور معمول چندان نوسان ایجاد نمی‌کنند. اگر فقط دوره نیویورک را معامله می کنید، روز خود را تعطیل کنید.

-اگر سفارشاتی دارد که در روز جمعه باز هستند، بستن آنها عاقلانه است مگر اینکه معامله‌گر پوزیشن باشید. شما دل‌تان نمی‌خواهد که به دلیل حدس و گمان‌ها یا یک رویداد خبری غیرمترقبه تاثیرگذار که در آخر هفته رخ داده است، روز یکشنبه هنگام باز شدن [بازار]، در یک شکاف بزرگ گیر بیفتید.

---

[84] بازه زمانی باز بودن بازارهای آسیا اشاره دارد.

از معاملات در حال انجام در روز یکشنبه خودداری کنید، تفاوت‌های قیمت[85] به دلیل کمبود نقدینگی در آن ساعات‌های بازار افزایش می‌یابند، ممکن است به دلیل اخبار غیرمنتظره تاثیرگذار شکاف‌ها ایجاد شوند که به حد ضررهای شما توجهی نشان نمی‌دهند.

معاملات کاغذی[86] برای تبدیل شدن به یک معامله‌گر سودآور مهم است

معاملات کاغذی کلید تبدیل شدن به یک معامله‌گر موفق است. مهم نیست که قوانین عالی چقدر برای من یا معامله‌گر دیگر ثابت شده باشند، یا اینکه چقدر برنامه معاملاتی شما چقدر عالی است، اگر تجربه نداشته باشید و زمان برای معامله با انها صرف نکرده باشید، بی‌فایده هستند. مهم نیست که چند بار فیلم های من را تماشا می‌کنید یا پست‌های انجمن را می‌خوانید، به احتمال زیاد سودآور نخواهید شد.

چرا؟ زیرا شما به زمان (برای نشستن پشت کامپیوتر) نیاز دارید. شما باید قوانین را صدها و هزاران بار آزمایش (با معامله کاغذی) کنید. مغز شما باید تمام این تجربه‌ها را کسب کند. نورون‌های شما باید آن اتصالاتی را ایجاد کنند که به شما یک واکنش فوری (نسبت به سناریوی خاصی که صدها بار تجربه‌اش کرده‌اید) خواهد داد. تنها در صورت تمرین زیاد می‌توانید به آن برسید.

یک اتفاقی که برای شما می‌افتد وقتی معاملات کاغذی انجام می‌دهید این است که بعد از چند روز دیگر این کار را متوقف خواهید کرد زیرا:

الف) نمی‌توانید انجام دهید.

ب) موفق می‌شوید و فکر می‌کنید که دیگر استاد شده‌اید. اشتباه است. شما باید ماه‌ها معاملات کاغذی، به مدت هر روز چند ساعت انجام دهید.

---

[85] Spreads
[86] Forward testing

اگر ماه‌ها تمرین نکنید، تجربه و عادت‌های جدید در نورون‌های شما نقش نمی بندند، به همین ترتیب شما هرگز فقط با خواندن یک کتاب دستور زبان، یک زبان جدید را یاد نمی‌گیرید یا اگر سال‌ها تمرین رقص با زوج‌های مختلف نکنید، رقص را یاد نمی‌گیرید. (من هفت سال معلم سالسا بوده‌ام، بنابراین نمی‌توانم* در این مورد صحبت کنم).

ویدئو زیر به سرعت نحوه تنظیم Forex Tester 2 را برای معاملات کاغذی SD نشان می‌دهد. البته شما باید آن را خریداری کنید، اما این یک سرمایه‌گذاری ارزان است، اگر به جد دنبال معامله باشید، بهترین سرمایه‌گذاری‌ای است که می‌توانید انجام دهید. نیازی نیست که اطلاعات اضافی داده را از آنها بخرید، موردی که آنها به صورت رایگان در اختیار گذاشته‌اند برای آزمایش ورودی‌های یک ساعته/چهارساعته کافی است. من در آینده نزدیک فیلم‌های دیگری را ضبط می‌کنم، اما فقط در انجمن خصوصی در دسترس خواهد بود.

ویدیوی اول نشان خواهد داد که چگونه Forex Tester را نصب کنید و ان را برای معاملات کاغذی عرضه و تقاضا آماده کنید.

ویدیوی دوم یک ویدیوی دو ساعته است، هفت‌خوان رستمی که شروع به ضبط کردن آن کرده‌ام تا بقیه هم تمام تکه‌های پازل کوچکی که در کنار هم قرارمی‌گیرند، نظر من راجع به دوره‌های SD و چگونه استفاده کردن قوانین را ببینند.

ویدیوها را تماشا کنید تا راجع به عرضه و تقاضا بیشتر بیاموزید.

تا وقتی که فیلم‌های زیر را تماشا و درک نکردید، هیچ سوالی درباره‌ی موضوع نپرسید. همه تردیدهایی که دارید با تماشای آنها و همچنین چندین وبینار موجود در صفحه YouTube من برطرف می‌شوند.

1.نحوه استفاده از ترکیب‌های بازه زمانی و سه نوع تنظیم موجود.

این هم یک مورد بسیار مهم است زیرا این امر مستلزم آن است که شما اکنون تصمیم بگیرید که چه نوع معامله‌گری هستید، یک معامله‌گر سوئینگ، روزانه یا پوزیشن.

این ویدئو را هر چند بار که می توانید مشاهده کنید، این چیزی‌ست که به آن باور دارم، فقط نظر من در مورد چگونگی نحوه کار عرضه و تقاضا است. این مهم است که شما در همان دوره ترکیب‌های زمانی را جابه‌جا نکنید. همیشه به همان ترکیب زمانی خاص پایبند باشید و بر آن تسلط داشته باشید تا زمانی که عادت‌تان بشود و با آن مهارت و اعتماد به نفس پیدا کنید.

این وبینار شامل موارد زیر است:

-چه نوع ترکیب‌های بازه زمانی را می‌توانید انتخاب کنید و چه نوع معامله‌گرانی را می‌توانید انتخاب کنید.

-برای چه از بازه زمانی محدوده (نمای کلی) استفاده می‌کنیم و بازه زمانی ورود برای شما چی هست (ترسیم سطوح‌تان و مدیریت معاملات‌تان)

-چه موقع باید خلاف روند پیش رفت (معامله مکان)، چه زمانی با روند (معاملات مومنتوم) و چه وقت باید از هر دو استفاده کرد (حرکت + مکان)

-چه زمانی از هر یک از سه نوع معاملات استفاده کنیم.

-چطور خط روند را برای ارزیابی جهت و فیلتر کردن سطوح بالا یا پایین آن را ترسیم کنیم.

2.چگونه می‌توان به صورت خودکار معامله عرضه و تقاضا را از قبل برنامه‌ریزی کرد.

متغیرهای خاصی وجود دارند که شما باید وقتی یک معامله را از قبل برنامه‌ریزی می‌کنید، به آنها توجه کنید، مقادیر پیش فرض بسته به اینکه آیا این یک معامله خرید یا فروش است، متفاوت هستند. همچنین این تفاوت

ایجاد می‌کند اگر یک جفت اصلی در مقابل یک جفت متقابل (فرعی) را معامله می‌کنید یا اینکه یک معامله روزانه یا سوییینگ را انجام می‌دهید.

این متغیرها عبارتند از:

-پدینگ ورودی

- تکان محل پدینگ[۸۷]برای محافظت از حد ضرر خود در برابر تولیدکنندگان بازار و افزایش تفاوت قیمت‌ها

-تعداد پیپ‌های بالا/پایین سطح مخالف برای حد سود شما

-این مهم است که شما این متغیرها را در نظر بگیرید، در غیر این صورت ممکن است بسیاری از ورودی‌ها را از دست بدهید و همچنین برای چند پیپ به حد سود خود نرسید.

4.وبینار در مورد نحوه معامله با ترکیب ماهانه/روزانه از طریق سه معامله زنده.

در این ویدیو من معامله با روند را با استفاده از ترکیب محدوده ماهانه/روزانه پوشش دادم. این خیلی بهتر است که بازه‌های زمانی بالاتر در هر تنظیم معامله‌ای با خود داشته باشید.ما با هم تمام دلایل اینکه چرا من سه تا از معاملات زنده را که آن موقع در حال اجرا بودند را بررسی کردیم هنگامی سمینار در حال برگزاری بود: فروش چهار ساعته دلار آمریکا/فرانک سوئیس[۸۸]، خرید پوند استرلینگ/ین ژاپن[۸۹] و خرید دلار کانادا/ین ژاپن[۹۰].

خوشبختانه با بررسی این معاملات زنده، قوانین را بسیار بهتر درک خواهید کرد، اینکه چگونه با بازه‌های زمانی ورود از ماهانه گرفته تا روزانه و چهارساعته یک تجزیه و تحلیل از بالا به پایین داشتیم.

---

87 Wiggle room padding
88 USDCHF
89 GBPJPY
90 CADJPY

5.وبینار در مورد اینکه چگونه معامله با ترکیب ماهانه/روزانه داشته باشیم با بررسی هفت معامله‌ی زنده و تجزیه و تحلیل تنظیم‌های ممکن. ما یک سری نکات را هنگام بررسی معامله‌هایی که من در پروفایل خودم تریگر کرده بودم، پوشش دادیم:

چگونه با ترکیب ماهانه/روزانه معامله کنیم، معاملات پوزیشن، چه زمانی از چهارساعته برای بازه زمانی ورود خود استفاده کنید، چه زمانی محدوده یک روزه بسیار گسترده است یا ما اخیراً تحرکات قیمت در یک محدوده یک روزه‌ی عرضه و تقاضا داشته‌ایم، خط روندها چگونه به ما برای ارزیابی روند و رد کردن/معتبر کردن یک سطح برای بازه ورود ما کمک می‌کنند.

ما چندتا معامله زنده (بعضی از آنها ضرر داشتند، اما وقتی خارج شدند معتبر بودند) بررسی کردیم:

فروش عرضه در بازه یک روزه چهارساعته دلار استرالیا/کانادا (AUDCAD)

خرید در بازه چهارساعته یورو/ین ژاپن (EURJPY)

خرید چهارساعته (معامله مشابه با یورو/ژاپن) فرانک یوئیس/ین ژاپن (CHFJPY)

خرید چهار ساعته (معامله مشابه با دوتای قبلی، اما ضرر کرده) پوند استرلینگ/ین ژاپن (GBPJPY)

خرید یک روزه دلار آمریکا/دلار کانادا (USDCAD)

فروش چهارساعته دلار نیوزیلند/دلار آمریکا (NZDUSD)

خرید تقاضا یک روزه یک ساعته

معاملات با جزئیات بیشتر در این لینک مورد بحث قرار گرفتند و در ویدیوهای تجزیه و تحلیل هفتگی و در خود انجمن هم بحث شده‌اند.